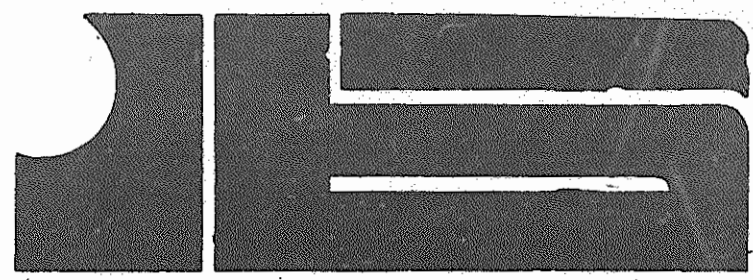


مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلقها

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۶۷ - قیمت ۲۰ ریال - ۱۶ صفحه

سال دوم - چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹

((اكثریت))

بر اساس منابع اطلاعاتی سازمان

کار توطئه کودتای پایگاه نوزده را

در چهاردهم خرداد (بیش از چهل روز قبل)

(در صفحه ۳)

به پیسگاه خلق گزارش کرده بود

کودتا

با شرکت فعال پرسنل انقلابی
ارتش درهم شکسته شد!

در صفحه ۷

ایادی امپریالیسم
با انفجار بمب،
میتینگ فدائیان خلق
در مهاباد را
به خون کشیدند

فقط اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست
با انقلابیون کمونیست می تواند
دسیسه های امپریالیسم امریکا و
متحدان داخلی آن را درهم شکند

● آنها که مرز میان دوستان و دشمنان مردم را
درهم می ریزند، آنها که علیه انقلابیون کمونیست
و سایر نیروهای انقلابی به گینه تیزی برخاسته اند،
زمینه سازان کودتای امریکائی هستند.

کشف توطئه باندهای ضد انقلابی ارتش دو حقیقت
بزرگ را یک بار دیگر به روشنی تمام به اثبات رسانید.
دو حقیقتی که درس آموزی از آن وظیفه مبرم تمامی
نیروهائی است که در راه استقلال میهنمان ایران پیکار
می کنند. دو حقیقتی که در راه بنای ایرانی آزاد و
دمکراتیک باید همیشه و همواره آویزه گوش انقلابیون
خلق باشد.

اولین و مهمترین درسی که باید از این توطئه
کودتا گرفت آن است که دشمن اصلی خلق ما
امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن در هیچ
شرایطی از تلاش برای کار آوردن یک حکومت
بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

باز هم توطئه کودتا
نقطه آخر مردم با هم متحد باشند
امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند

نسبت به اعدام احتمالی یکی از فرزندان انقلابی خلق ترکمن
به مقامات مسئول هشدار می دهیم!

گوانی درد
بی درمان

سرمایه داری وابسته

گرمای باد خاطره
مبارزات درخشان و خونین

نفتگران ۲۳ تیر

به مناسبت سالروز قیام ملی ۳۰ تیر

با اتحاد مردم

امپریالیسم و ایادی آن را می توان شکست داد

زحمتکشان «دکه دار»: ما کار می خواهیم!

وسایل امرار معاش ما را تأمین کنید

اخبار کارگری

بفادرسود جوئی سرمایه داران و بیماکاران
از فروردین ماه تاکنون ۱۰ تن از
کارگران بندر خمینی جانان را از دست دادند

در مجتمع مس سرچشمه،
کارگران خواهان شوراها
واقعی اند

نامه گروهی از کارگران
نانوائی های شهرماشهر (مرمناشهر) به
"کار"

دسیسه های ایادی امپریالیسم جهانی را علیه سازمان خنثی کنیم! در صفحه ۲

از این پس نشریات، مکاتبات و نظرات سازمان به امضاء

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اكثریت)

انتشار می یابد

در صفحه ۱۲

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

بقیه از صفحه ۱

فقط اتحاد همه نیروهای

ضد امپریالیست با...

وابسته به خود دست نخواهد کشید و در این راه از انجام هیچ جنایتی علیه خلق ما فروگذار نخواهد کرد. این دشمن تیر خورده خلق ما اکنون که منافع حیاتی آن در ایران لطمه دیده است تمام نیروی خود را بسیج کرده است تا با روی کار آوردن رژیم مثل رژیم سابق، به جبران ضرباتی که در دوساله اخیر از خلقهای قهرمان میهنمان دریافت داشته است با به راه انداختن سیل خون و کشتار وسیع خلق آنچه را که از دست داده است دوباره به چنگ آورد.

امپریالیسم آمریکا در افق آینده روزهای تیره تری را می بیند. امپریالیسم آمریکا می بیند که حاصل انقلابی که از سال ۵۷ آغاز شده است علاوه بر ضرباتی جدی که بر منافع عاجل امپریالیسم جهانی وارد آورده است موجب گردیده است میلیون ها زحمتکش ایرانی روز به روز متشکل تر شوند و دشمن اصلی و راه رهایی نهائی خود را بهتر بشناسند. رشد نیروهای انقلابی در حدی است که امپریالیسم آمریکا را به جنون گشائیده است.

توطئه احمقانه حمله نظامی هلی کوبترهای امریکائی و فرود آنها در حوالی طیس، تشکیل دستجات ضد انقلابی مسلح پالیزبان - بختیار در غرب کشور، عملیات مسلحانه سران مرتجع عشایر در فارس و بلوچستان و خوزستان تنها نمونه هایی از تلاشهای مذبحانهای است که تحت حمایت دولت آمریکا برای روی کار آوردن یک حکومت دست نشانده به اجرا گذاشته شده است.

وقتی ما میگوئیم دشمن اصلی امپریالیسم امریکاست این تنها یک حرف توخالی نیست. تجربه ۲۸ مرداد، تجربه شیلی، مصر، اندونزی، بنگلادش عراق و دهها کشور دیگر نشان داده است که امپریالیسم امریکا لحظهای هم از تلاش برای سرنگون کردن نیروهای ضدامپریالیست و سپردن قدرت به دست عناصر وابسته به خود غافل نخواهد ماند. این مهم نیست که امپریالیسم امریکا از چه طریق این مهم را به انجام می رساند. مهم این مسئله است که امپریالیسم امریکا از هر طریق که بتواند در پیشبرد اهداف جنایتکارانه و ضد خلقی خود اقدام خواهد کرد. یک روز به حزب خلق مسلمان و مراجع مرتجع وابسته به آن متوسل می شود، روز دیگر با مهدی بازرگان در الجزیره به سازش می نشیند و روز دیگر به تهاجم نظامی و کودتای نظامی روی می آورد یا با تحریک اقتصادی علیه اقتصاد ایران که تا مغز استخوان به امپریالیسم وابسته است دست زده و از طریق تحمیل گرانی و بیکاری به مردم زحمتکش ما برای سست کردن و مایوس کردن روحیه رزمنده و انقلابی خلق ما نقشه می کشد. تکرار مکرر این توطئه ها به ما می آموزد که امپریالیسم نه تنها در میهن ما ریشه نکرده است، نه تنها بطور قطعی و نهائی شکست نخورده است بلکه هنوز چنان قدرت مند است که میخواهد و می کوشد حکومت جمهوری اسلامی را نیز سرنگون کند و ایادی خود را روی کار آورد و در این راه اکثر فرماندهان ارتش همدست آن اند.

مردم زحمتکش ما امروز باید این حقیقت بزرگ را به خوبی درک کرده و دریابند که دشمن بزرگ و اصلی خلق هم چنان در تلاش است که اولاً آنچه را که از دست داده دوباره به چنگ آورد. ثانیاً به هر طریقی که میتواند جلوی رشد انقلاب را بگیرد و نگذارد مردم متشکل تر و آگاه تر شوند. آری امپریالیسم امریکا به سادگی تن به تسلیم نخواهد داد. این حقیقتی مسلم است که اکنون روز به روز آشکارتر می شود و خلق قهرمان ما باید از آن آگاهی یابند.

حقیقت دیگری که با کشف توطئه کودتا یک بار دیگر در معرض قضاوت توده قرار گرفت با تمام شواهد موجود، نشان می دهد که سیاست های دولت جمهوری اسلامی ایران و در راس آن شورای انقلاب تا امروز از هر نظر که حساب کنیم سیاستی بوده است که ریشه های تحقق توطئه های امپریالیستی را نه تنها نخشکائیده است بلکه دقیقاً به علت محافظه کاری و سازشکاری هایی که شده است ضد انقلاب را هر روز جری تر کرده و میدان عمل بیشتری بدان بخشیده است. هر گاه به یادیاوریم که وقتی انقلاب شد تمام قدرت به دست کمیته های انقلاب، دادگاه های انقلاب، سپاه

پاسداران، انجمن ها و شوراهای اسلامی افتاد باید از خود بیرسیم پس چرا این نهادها که حاصل قیام بودند ارتش شاهنشاهی را حفظ کردند؟ چرا از شخصی مثل بازرگان و کابینه لیبرال او دعوت کردند که حکومت را تشکیل دهد؟ چرا سرمایه های سرمایه داران وابسته را صادره نکردند و چرا سیاست خارجی را طوری پیش بردند که خلق ایران با کمک متحدین و دوستان خود در سراسر جهان امروز زیر فشارهای اقتصادی امپریالیست ها و تا این اندازه در رنج گرانی و بیکاری ناشی از آن قرار نداشته باشد؟ چرا در راس وزارت خارجه ایران فردی چون قطب زاده دوست امپریالیسم امریکا قرار دارد؟

حفظ ارتش ضد خلقی رژیم شاه و تبلیغ این خیال باطل بین توده ها که گویا ارتش ملی و اسلامی شده است امروز جدی ترین خطرات را برای دستاوردهای خون هزاران شهید خلق به وجود آورده است و مسئولیت حفظ این ماشین عظیم وابستگی و جنایات نیز مستقیماً بر عهده مقامات و دولت جمهوری اسلامی ایران است. و در این میان در شرایط فعلی بیشترین مسئولیت در این زمینه متوجه شخص رئیس جمهور است. آقای رئیس جمهور با حمایت از فرماندهان ارتش، با گماردن عناصر غیر قابل اعتماد در راس ارتش راه را برای اجرای نقشه باندهای ضد خلقی باز گذاشته است.

اکنون رئیس جمهوری باید به مردم توضیح دهد که چرا و به چه علت با عناصر مزدور و خائنی همچون قشقائی ها، میناچی ها، فلاحی ها، باقری ها و دیگر سران خائن ارتش مامات می کند؟ تاریخ همواره گواه حقانیت انقلابیون کمونیست است.

تاریخ ثابت خواهد کرد که هر قطعه ای که از آن ارتش ضد خلقی رژیم شاه باقی بماند قطعا و مسلماً به سنگری برای ضد انقلاب و باندهای ضد خلقی وابسته به امپریالیسم تبدیل خواهد شد. مگر ارتش در یک سال و نیم اخیر چه کرده است؟ کدام توطئه ضد انقلابی بوده است که توسط سران خائن ارتش کشف شده باشد مسئولیت دستگیری کدام باندها و عناصر ضد انقلابی را در ارتش بر عهده گرفته است آیا جز بیماران سنجید بانه، مزبوان و دیگر مردم بی بنیاد کردستان جز کشتار خلق، جز روابط پنهانی با فرماندهان فراری ارتش کار دیگری هم در پرونده سیاه این ارتش به چشم می خورد؟

سازمان ما، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تنها سازمانی بوده است که از همان روز قیام که نیروهای مذهبی آگاهانه یا ناآگاهانه شعار می دادند "ارتش برادر ماست" قاطعانه اعلام کرد که این ارتش مهمترین سنگر ضد انقلاب است و باید در هم شکسته شود.

آنان که تا امروز به انحاء مختلف از این ارتش دفاع کرده اند اکنون یاسخکوی این سیاست خود باشند. اما خطاست هر گاه تصور کنیم حتی با برچیدن این ارتش خطر نیروهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم از میان خواهد رفت. حقایق نشان می دهد سیاست هایی که بین مردم تفرقه اندازی میکند، سیاست هایی که می کوشد بر اساس اختلافات عقیدتی یک بخش از مردم را در برابر بخش دیگر قرار دهند و به جای دعوت مردم به اتحاد با یکدیگر و مبارزه متحد با امپریالیسم امریکا و ایادی آن آنان را به مبارزه با انقلابیون کمونیست و دیگر انقلابیون خلق دعوت می کنند، آنان که تحمل هیچ عقیده و فکر دیگری را ندارند و بر اساس تعصب مذهبی به دشمنی با سایر نیروهای ضد امپریالیست کمر بستمانند، آنان که بر اساس همین افکار روز به روز اتحاد و همبستگی مردم را در برابر دشمن اصلی تخریب می کنند و آن را به دشمنی بدل می کنند، آنان که از سیاست سرکوب خلق های تحت ستم جانبداری می کنند، نیروی انقلابی مردم را از مقابله با دشمن اصلی غافل ساخته و به دشمنان خلق اجازه می دهند که با فراغ خاطر علیه مردم توطئه کنند. مدارک موجود به ویژه همزمانی واقعه طیس با درگیری های دانشگاه و تشدید جنگ در کردستان و شایعات مربوط به ۱۵ خرداد که خنثی شد نشان می دهند که تا چه حد آمریکا بر تفرقه و دشمنی نیروهای انقلابی برای اجرای نقشه های خود حساب می کند. اگر در ایران گروه های سیاسی مردم به دشمنی با هم برخیزند جنبش امپریالیست مسلط خواهد شد. فکر بسیار خطرناکی است اگر تصور کنیم از دست امپریالیست ها هیچ وقت کاری ساخته نیست. فقط اگر مردم با هم متحد باشند، امریکا هیچ خطی نمی تواند بکشد. اگر میلیون ها مردم در اتحاد با یکدیگر در زندگی سیاسی

حضور داشته باشند هرگز امکان کودتا های امپریالیستی به وجود نخواهد آمد. چه کسی می تواند مدعی شود که مشاهده تعداد جمعیت و سمت شعارهای تظاهرات روز جمعه ۱۳ تیرماه در تصمیم کودتاگران می تواند بی تاثیر باشد. و چه کسی می تواند منکر این حقیقت شود که تظاهرات روز جمعه ۱۳ تیرماه مشخصاً محصول یک سال و تیم سیاست های قشری و انحصارگرانه و تفرقه اندازانه حکومت بوده است؟

علاوه بر این ها و مهمتر از همه اینها آنچه که امپریالیست ها بیش از همه روی آن حساب می کنند و رادیکال های آنها بیش از همه روی آن تبلیغ می کنند سیاست هایی است که دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل خواست ها و مطالبات زحمتکش در پیش گرفته است. سیاست های حکومت دو یک سال و نیم اخیر نشان داده است که قادر نیست در برابر فشار امپریالیست ها برای درهم شکستن اقتصاد ایران و تحمیل گرانی و بیکاری به زحمتکش قاطعانه بایستد و مقابله کند. امپریالیست ها با تحمیل محاصره آن، با ضبط دارائی های خارجی و انوالی که متعلق به خلق ایران است، با گران کردن سرسام آور محصولات که شامل محاصره اقتصادی نمی شود در گسترش بیکاری و تحمیل گرانی میخواهند مردم زحمتکش را از مبارزه با امپریالیسم مایوس و منصرف سازند و زمینه کودتا را فراهم نمایند.

سرمایه داران بزرگ که در آرزوی رژیم شاه هستند مجریان اصلی تمام این سیاست های امریکائی در ایران هستند. آنها که اوضاع را به کام خود نمی بینند برای آنکه هر چه زودتر سودهای کلان جمع آوری کنند و راهی خارج شوند قیمت اجناس را روز به روز بالا و بالاتر می برند.

صاحبان املاک و آپارتمان ها، خانه های خود را احتکار کرده اند. در حالی که هزاران نفر شب را در خیابان به روز می آورند و جمهوری اسلامی نیز در برابر تمام این جنایات سیاستی آشتی جویانه و مامات طلبانه پیش گرفته است.

دولت جمهوری اسلامی ایران تا امروز نه یک سیاست قاطع برای مقابله با اموال سرمایه داران بزرگ پیش گرفته است (نگاهی به لیست تجار میلیاردی بازار بیندازید) و نه کوشیده است با گسترش همکاری های همه جانبه با دولت ها و ملل دوست ملت ایران نقشه امپریالیست ها را برای تحمیل گرانی و بیکاری بر زحمتکش ما تخفیف دهند. آقای رضا صدر وزیر بازرگانی صراحتاً خائن تجار پولدار بازار را گرفته است و مانع از آن شده است که بساط غارتگری این سرمایه داران که تجارت خارجی را به انحصار خود در آورده اند برچیده شود. ادامه این سیاست های جمهوری اسلامی بیشترین رنج و محرومیت را نصیب زحمتکش و بهترین شرایط را برای بهره گیری دشمنان مردم فراهم کرده و خواهد کرد.

کودتای نظامی تنها در شرایطی امکان وقوع می یابد که تورم و بیکاری اقتصاد را فلج کرده باشد که امپریالیست ها موفق شده باشند تخم یاس و بدبینی نسبت به مبارزه و انقلاب در میان توده های مردم رواج دهند، که تحت تاثیر سیاست های انحصارگرانه و نفاق افکنانه صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی از هم گسسته باشند و میلیون ها زحمتکش به یا خاسته ایران از حداقل آگاهی های سیاسی و تشکل برخوردار نشده باشند.

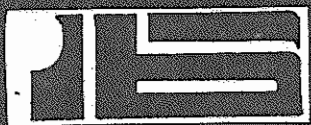
اینها درس های بزرگی است که خلق قهرمان ما باید از تکرار این توطئه های ضد خلقی، فرا گیرند. اینها حقایقی است که باید بطور وسیع برای توده مردم بازگو شود. بدون آشنای بی پرده این حقایق ما هرگز قادر نیستیم تا این توطئه های تهاجم نظامی و کودتای نظامی و امثالهم بطور جدی به مقابله برخیزیم.

در پایان نیز بخواست به سیاست واژگونه و چپ روانه برخی گروه ها و سازمان هایی چون اشرف دهقانی، راه فدائی، اقلیت منشعب، راه کارگر و دیگر و شرکاء بزرگ اشاره شود که چگونه پیشنهادی ها قضاوت های شایسته، تحلیل های کودکانه و پندار بافی های آنان در سنجش با واقعیت های عینی در یک سال و نیم اخیر کدام "آخیز" شده و از توضیح حقایق بازمانده و به ابتکار واقعیت پناه برده است. چیزی که بیشترین بهره آن به کیسه فرصت طلبان راست ریخته است! آیا این گروه ها امروز حاضرند بپذیرند که سیاست های چپ روانه آنها بزرگترین خدمت را به ایران و نیویسم راست ("حزب توده") کرده است؟

توطئه کودتای پایگاه نوزده را

در چهاردهم خرداد (بیش از چهل روز قبل)

به پیشگاه خلق گزارشی کرده بود



چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۶۱ - صفحه ۱۲

فرماندهان نظامی در فکر کودتا هستند

۲- گروه مذهبی و مسلح پایگاه که حدوداً ۵۰ نفر هستند و از اعضای انجمن اسلامی می باشند روز قبل یعنی جمعه به مأموریت کردستان اعزام شده بودند و پادگان از وجود آنان خالی بود.

۳- سرگرد گلچین فرمانده عملیات پایگاه و سرهنگ صفری فرمانده پایگاه با حيله و دسيسه نماینده امام (آقای رضوان) را برای مدت ۲۴ ساعت از پایگاه خارج می کند.

موارد فوق نشان می دهد که چگونه فرماندهان ارتش به راحتی و آزادانه در پی توطئه های شوم خود هستند. علیرغم هشدارها و افشاگری هایی که از جانب نیروهای سیاسی، انقلابی و ترقی خواه مکرراً و نظام آمریکائی حاکم بر ارتش دست نخورده باقی مانده است.

هرچند این توطئه ها فعلاً قادر نخواهند بود که در برابر عزم راسخ خلق های مبارز ایران به جایی روند ولی تعلل در برپایی ارتش توده های و حفظ و بقایای ساختمان پیشین ارتش و ابقای همان فرماندهان شاهدهوست آمریکائی به معنی هموار کردن راه برای تسلط امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن، به معنی پشت کردن به منافع خلق و زحمتکشان است.

بنا به اطلاع واصله در یکی از پایگاه های هوائی و در ساعت ۳ الی ۳/۵ بعد از نیمه شب به تاریخ ۳ خرداد ۵۹ (سحرگاه شنبه) پیامی رادیوئی درباره عملیات کودتا شنیده می شود. این پیام مکالمه ای چند دقیقه ای بود که طی آن اجرای عملیات را به علت شرایط نامناسب "کنسل" (ملغی شده) اعلام می دارد. متعاقب تحقیقاتی که به عمل آمد شواهدی نشان می داد که در این شب توطئه هایی از جانب عناصر ضدانقلابی ارتش در شرف انجام بوده است. مطابق این تحقیقات در همان شب (شب شنبه) که مکالمه مشکوک رادیوئی شنیده شد.

۱- تمام هواپیماهای پایگاه آماده برای پرواز شماره ای درخواست کرده بودند. این هواپیماها که بمب های ۷۵۰ پوندی حمل می کنند همگی که تعدادشان ۲۰ الی ۲۲ فروند است آماده پرواز بوده اند. در ضمن کلیه هواپیماها مجهز به بمب و راکت و حتی ۸ فروند آن بمب های ۷۵۰ پوندی شوار کرده بود. تا آن زمان برای پرواز به کردستان بیش از ۸ تا ۱۰ فروند هواپیما برای پرواز آماده نمی شد و این وضعیت غیر عادی را نشان می دهد.

در "کار" شماره ۶۱، چهارشنبه ۱۴ خرداد، سازمان چریک های فدائی خلق ایران از کودتایی که قرار بود با پرواز ۲۰ الی ۲۲ فروند هواپیمای شکاری از یکی از پایگاه های نیروی هوایی آغاز شود، پرده برداشت و اعلام کرد که این کودتا که نخست قرار بوده است در اوایل خرداد انجام شود به علت شرایط نامناسب به زمان مناسب تر موکول شده است. در همین خبر آمده است که سرگرد گلچین فرمانده عملیاتی پایگاهی است که قرار است کودتا از آنجا آغاز شود. با توجه به آن که سرگرد گلچین فرمانده پایگاه نیروی هوایی نوزده است، کاملاً روشن و مسلم است که سازمان چریک های فدائی خلق ایران در تاریخ سوم خرداد یعنی ۴۷ روز پیش از آغاز عملیات کودتای پایگاه نوزده این توطئه را کشف و در تاریخ چهارشنبه ۱۴ خرداد ماه از طریق نشریه کار به پیشگاه مردم ایران گزارش کرده است. بدون تردید پرسنل مبارز ارتش و همه دستگاه های دولتی جمهوری اسلامی از خبر نشریه "کار" مطلع بوده اند. روشن است که گزارش "کار" در خنثی کردن این توطئه تا چه حد اهمیت داشته است.

گزارشاتی که پیرامون تعداد هواپیماهایی که قرار بود در کودتا شرکت کنند، اخیراً فاش شده است، نشان می دهد که خبر نشریه "کار" تا چه حد دقیق بوده و برخلاف تصور همه نیروهای که یا دولت کنونی را دولتی نمی دانستند که آمریکا و ایادی داخلیش علیه آن دست به کودتا زند و یا ارتش را چنان وفادار تصور می کردند که چنین کودتایی را بعید اعلام می کردند، تکوین توطئه کودتای آمریکایی در ارتش جمهوری اسلامی حقیقت داشت و حقیقت دارد. این آخرین توطئه کودتا نیست. اگر فرماندهان آمریکایی ارتش مصدر کار باشند، اگر نظام اطاعت کورکورانه در ارتش باقی بماند، اگر شبکه های جاسوسی آمریکا و محافل وابسته به لیبرال ها در ارتش به موجودیت خود ادامه دهند، اگر پرسنل مبارز و انقلابی ارتش، فرماندهی و اداره ارتش را در اختیار نگیرند، ما در آینده شاهد دسیسه های گسترده تر و به مراتب خطرناک تری در ارتش علیه مردم ایران خواهیم بود. ما از قیام تاکنون همواره بر ضرورت دگرگونی اساسی در ارتش پای فشرده ایم و امروز بیش از هر زمان دیگر صحت سخنان ما آشکار می شود.

خبر دیگری که سازمان چریک های فدائی خلق ایران در نشریه "کنسار" ۶۱، در تاریخ ۱۴ خرداد ماه به چاپ رسانید، بدین شرح است:

حزب فاشیست و مردم به آگاهی کافی برسند هرگز نخواهند توانست مقاصد شوم خود را علیه مردم به اجرا در آورند. از این رو است که انقلابیون خلق در زیر فشار سانسور و توقیف مطبوعات، همه دشواری ها را به جان خواهند خرید و نشریه "کار" بر دست های پرتوان کارگران، دانشجویان، دانش آموزان، پرسنل انقلابی ارتش، کارمندان، پزشکان و معلمان فدایی در چهار گوشه میهن پیام آور آگاهی و پیام آور فردای پیروزی زحمتکشان خواهد بود.

سیاسی مردم و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی در دگرگونی خلق های ایران داشته است بدون شک خدمت به امپریالیسم و متحدان داخلی آن است. ما بار دیگر مردم مبارز میهنمان را به قضاوت می گیریم و می پرسیم آیا کسانی که نشریه "کار" را غیر قانونی اعلام می کنند و از آگاه شدن مردم می هراسند به چه کسانی خدمت می کنند؟ مسلم است که توطئه های امپریالیسم و متحدان داخلی آن در شرایطی خبری مردم و در جو سانسور و تحریف حقایق طرح و تکوین می یابد. امپریالیسم و متحدان داخلی آن وقتی

زمانی که ما خبر توطئه کودتا را فاش کردیم، فشار "داندگاه انقلاب" بر نشریه "کار" که تاکنون حقایق زیادی را به اطلاع مردم ایران رسانیده و نقش مهمی در آگاه کردن توده های داخلی آن داشته است، پیش از هر زمان دیگر افزایش یافته بود. در آن زمان ما تاکید کردیم که سانسور و تحریف اخبار و حقایق که باید به اطلاع مردم ایران برسد، توقیف روزنامه های ترقی خواه به ویژه نشریه "کار" که نقش مهمی در خنثی کردن توطئه های ضد انقلاب و افزایش آگاهی های

گرامی باد خاطره

مبارزات درخشان و خونین نفتگران ۲۳ تیر

شش هزار تن از کارگران نفت آبادان با خواست اجرای قانون کار، دست به اعتصاب زدند. شرکت نفت انگلیس از قبول این خواست سرباز زد و به زودی موج اعتصاب سراسر مناطق نفت خیز را فرا گرفت. در ۲۲ تیر ماه، اتحادیه کارگران نفت طی اعلامیه‌ای خواست‌های سیاسی کارگران را به شرح زیر اعلام کرد:

"برگزاری و اخراج مصباح فاطمی استاندار خوزستان خلع سلاح اتحادیه‌های خوزستان، منع شرکت نفت انگلیس از مداخله در امور سیاسی ایران، تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری، منحل شدن اداره خدمات سیاسی (جاسوسی انگلیس) و اخراج سران آن از ایران. اجرای کامل قانون کار".

در پی اعلام خواست‌ها، کمیته اعتصاب از ساعت ۶ صبح ۲۳ تیر اعلام اعتصاب نمود. نفتگران مبارز با اعلام خواست‌های انقلابی و توسل به سلاح اعتصاب عمومی به مقابله با امپریالیسم انگلیس و حکومت وابسته به آن برخاستند. دولت اعتصاب را غیر قانونی دانسته و در سراسر خوزستان اعلام حکومت نظامی کرد. امپریالیسم انگلیس با اعزام ناوگان جنگی و نیروی نظامی خود به آب‌های خلیج فارس دست به قدرت نمائی زد. فرمانداری نظامی با همدستی اتحادیه‌های عشایری خوزستان، دست به سرکوب کارگران اعتصابی زد و نبرد نابرابر کارگران با مزدوران تا نیمه‌های شب ادامه یافت. مقاومت دلیرانه نفتگران، ۴۷ شهید و ۱۷۳ تن مجروح به جا گذاشت و در پی آن کارگران و زحمتکشان سراسر ایران نسبت به این کشتار وحشیانه دست به اعتراض زدند. دولت ارتجاعی و مزدور قوام برای غلبه بر بحران سیاسی و تحکیم قدرت استعماری انگلیس، هیئتی مرکب از چند تن از مزدوران دولتی و نمایندگان شورای متحده مرکزی (رضا راد منش و جودت از زهبران حزب توده) را به جنوب فرستاد تا به خواست‌های اعتصابیون

در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌های میهن ما، جنبش کارگری ایران همواره سنگری آشتی ناپذیر و استوار بوده و در جنبش کارگران ایران نیز به نوبه خود حماسه‌آفرینی‌های نفتگران قهرمان سنگر مقدم این پیکار بوده است، که جمعیتی تجارب خونبار آن گرانبهارترین آموزش‌های اتحاد و مبارزه پرولتاریای ایران را در بر دارد. جنبش کارگری ایران با سقوط دیکتاتوری رضا شاه و گسترش آزادی‌های دمکراتیک، زمینه و بستر مناسبی برای بسیج و تشکل نیروهای خویش یافت و در پی آن سنت‌های نوین مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران، پس از گسستی پانزده ساله جان گرفت. آگاهی و تشکل رو به گسترش کارگران، در سازماندهی مبارزات اقتصادی (افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کار، کاهش ساعات کار روزانه و پرداخت حقوق ایام تعطیل و...) و مبارزات سیاسی (مبارزه بر علیه حکومت استبدادی و دخالت شرکت استعماری نفت انگلیس در امور سیاسی ایران و...) تجلی یافت.

جنبش کارگری ایران طی این سالها آنچنان گسترش یافت که از دل آن‌صدها حرکت و مبارزه انقلابی خود انگیزه کوچک و بزرگ جوشید. مرکز ثقل این جنبش عمدتاً مبارزات کارگران نفت بود و نفتگران پرچمداران واقعی جنبش کارگری بوده‌اند. آنان ستم استعماری و استثمار و غارت امپریالیستی را بطور روزمره و بلاواسطه درک می‌کردند. اولین اعتصابات کارگری نفت، علاوه بر اهمیتش به مثابه نقطه تحولی در جنبش کارگری ایران، در عین حال بارقه نوینی از مبارزات ضد استعماری مردم ایران بود که بعدها با ملی کردن صنعت نفت در دوره مصدق، اعتلاء یافت.

نقطه اوج مبارزات کارگری در این سالها اعتصاب نفتگران آبادان و آغاچاری در اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۵ و به ویژه اعتصاب خونین و حماسه آفرین ۲۳ تیر همان سال بود. در ۱۳ تیرماه سال ۲۵،

دسیسه‌های ایادی امپریالیسم جهانی را علیه سازمان خنثی کنیم!

خواند، در هر زمان که امپریالیسم بخواید حکومت سرسپرده خویش را چه از طریق کودتا و یا طرق دیگر مستقر کند، دست به مقاومتی تاریخساز علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن بزنند. از همین رو است که شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم و محافل سرمایه‌داری وابسته آگاهانه تلاش دارند با پخش شایعات علیه سیاست‌های سازمان، با تلاش مذبحخانه در وابسته جلوه دلدن سازمان به نیروهای خارج از مرزهای میهن، با وارد کردن شوخی‌های مبتذل در مباحث جدی سیاسی و اشاعه فرهنگ مبتذل لطمه‌پراکنی علیه سازمان، تشکل عظیم سازمان فدایی را تضعیف کنند. ما با آگاهی از این تلاش‌های امپریالیسم و ایادی داخلی آن در پیام ۸ تیر چنین گفتیم:

رفقا! تبلیغات کینه‌توزانه علیه سیاست‌های سازمان که از جانب بورژوازی و شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم و جاسوسان سه جهانی اهاغه می‌یابد و توسط اپورتونیسیم راست و چپ دامن زده می‌شود و هدفی جز کاهش اعتبار سازمان، تضعیف جنبش کمونیستی و منفعل ساختن و سرخورده کردن عناصر پر شور و انقلابی جنبش را دنبال نمی‌کند. سرچشمه‌های این شایعات یعنی محافل وابسته به امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته خوب می‌دانند که صدها هزار انقلابی پر شور جنبش کمونیستی که حول محور سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرد آمده‌اند، همواره آماده‌اند در هر لحظه اجرای نقش‌تاریخساز خود فرا

هم میهنان مبارز! در هفته‌های اخیر، همزمان با افزایش تلاش‌های ما برای استقرار صلح در کردستان که برای وحدت ضد امپریالیستی خلق‌های ایران ضروری است شبکه‌های جاسوسی رسمی و غیر رسمی امپریالیسم امریکا خصوصاً "حزب رنجبران" به تبلیغات و شایعات بی‌شرمانه‌ای علیه سازمان پرداخته‌اند. این محافل که از تعمیق و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها و به خطر افتادن منافع امپریالیسم جهانی سخت به وحشت افتاده‌اند، می‌کوشند به شیوه‌های پلیسی و یاوه‌سرانی‌هایی که دستگاه شاه سالها مبلغ آن بوده است، سازمان ما را که همواره به نیروی خلق کبیرمان متکی بوده و خواهد بود، وابسته به نیروهای خارج از ایران وانمود سازند. تبلیغات و اقدامات ردیالانه این محافل که از جانب فرصت طلبان چپ و راست نیز دامن زده می‌شود، همگی عزم انقلابی ما را در مبارزه به خاطر استقلال کامل میهنان ایران و در راه آرمان طبقه کارگر راسختر خواهد ساخت. بگذار دشمنان طبقه کارگر آخرین حربه‌های شناخته شده خود را هم به کار گیرند. بگذار بازهم یاوه‌سرانی کنند. سیل تبلیغات و شایعات بپوچ و دروغین آنان علیه انقلابیون کمونیست حقیرتر از آن است که چیزی از اعتبار و حقانیت جنبش کمونیستی ایران بگاهد. این تبلیغات زبون‌تر از آن است که انقلابیون کمونیست، فدائیان خلق را به انفعال بکشاند. این تلاش‌های آنان بیش از همه نمایشی است از صحنه مرگ محتومشان که جبر تاریخ است. این واقعیت ما را در انجام وظایف تاریخی خویش شور و امید باز هم بیشتری بخشیده است.

خور اهمیت است ما از همه هواداران سازمان می‌خواهیم که هوشیارانه چهره محافلی را که تلاش دارند با تضعیف نیروهای انقلابی و به انفعال کشاندن عناصر پر شور و انقلابی جنبش، زمینه شکست انقلاب و به قدرت رسیدن سرسپردگان امپریالیسم امریکا را فراهم کنند، رسوا سازند و اقدامات و شایعات بی‌شرمانه آنها را خنثی کنند.

آگاهی کامل به این روش‌های تخریبی امپریالیسم و ایادی داخلی آن و مقابله و خنثی کردن آن امروز اهمیت بسیار یافته است. طرح کودتای امریکایی اخیر به خوبی نشان داد که تضعیف پایگاه توده‌ای سازمان ما و منفعل ساختن عناصر پر شور جنبش کمونیستی تا چه اندازه برای اجرای مقاصد شوم امپریالیسم امریکا و نوکران داخلی آن که در صدند رژیم سرسپرده خود را در ایران به قدرت رسانند، در



گرانی درد بی درمان سرمایه داری وابسته!

گرانی دم افزون کالاها، کارگران و زحمتکشان میهن ما را هر روز تحت فشار شدیدتری قرار می دهد. نزدیک به سه میلیون کارگر و زحمتکش ایرانی بیکارند و ممری برای گذران زندگی خود و خانواده شان ندارند. قیمت کالاهای ضروری هر روز گران تر می شود و بار گذران زندگی را برای کارگران و زحمتکشان سنگین تر می کند. این گرانی خانمانسوز از

زحمتکشان را که بار سنگین تورم، ناگزیر بر دوش آنها می افتد، تحت فشار قرار دهد و بدین ترتیب مذبحخانه می کوشد تا راهی برای سازش و تسلیم هموار سازد. علاوه بر این نشان خواهیم داد که سیاستهای کجدار و مریز دولت موقت بازارگان که در جهت تثبیت سرمایه داری وابسته ایران بود نه تنها از تب داغ تورم نکاست بلکه به حدت و شدت

تورم همچنان بیداد می کند و آن را با پند و اندرز، با شلاق زدن خرده فروشان و مغازه داران و با ترسیم خطوط نظامی تخیلی بر آسمان بی انتهای خیال - پردازان نمی توان چاره کرد.

کجا ریشه می گیرد و بیش از همه برآوردن چه قشرهایی سنگینی می کند؟ چه کسانی از این گرانی بهره می برند؟ چگونه است که سیاستهای دولت در ۱۶ ماه گذشته به جای آنکه از شدت تورم بکاهد، پیوسته بدان دامن زده است؟ آیا می توان بدون آنکه نظام سرمایه داری وابسته را واژگون کرد، بر غول بحران فائق آمد؟

در این مقاله ما سعی خواهیم کرد ریشه های گرانی همه جانبه و فزاینده کالاها (تورم) را بجوئیم و ببینیم که تورم جزء جدائی ناپذیر نظام سرمایه داری وابسته است. همچنین نشان خواهیم داد که تورم عنان گسیخته عارضای است که (همراه با بیکاری) در پروسه مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای تحت ستم در اقتصادهای وابسته ای چون اقتصاد ایران شدت می گیرد و این یکی از حربه هایی است که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای مقابله با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان از آن بهره می جوید. در این راه بورژوازی انحصاری و غیر انحصاری با همدستی با امپریالیسم و با دامن زدن به عارضه خانمانسوز تورم می کوشد در ضمن کسب سودهای هنگفت، کارگران و

آن افزود. تملل و مدینه فاضله گرانی بنی صدر نیز راه به جایی نبرده است. تورم همچنان بیداد می کند و آن را نه با پند و اندرز، نه با شلاق زدن خرده فروشان و مغازه داران که خود تحت فشار سرمایه های وابسته قرار دارند نه با ترسیم خطوط نظامی تخیلی بر آسمانهای بی انتهای خیال پردازان می توان چاره کرد. راه چاره تورم و دیگر عوارض سرمایه داری وابسته ایران در محو و نابودی این نظام است نمی توان هم روابط سرمایه داری را بی خدشه حفظ کرد و هم امیدوار بود که سرمایه داران بر سر "عقل" آیند و "ارزان فروشی" کنند!

وابستگی و تورم

در نظام سرمایه داری که تولید نه برای مصرف بلکه برای کسب سود سرمایه داران است، تورم یعنی افزایش همه جانبه قیمتها، پدیده ای است عمومی. اگر در سرمایه داری پیش از انحصارات، تورم به صورت ادواری بروز می کرد و در دورانهای رکود اقتصادی قیمتها رو به کاهش می نهاد، در مرحله انحصاری سرمایه داری، تورم پدیده ای است پایدار که در دوران رونق و

نیز در دوران رکود و بیکاری گسترده، کارگران و زحمتکشان را تحت فشار هرچه بیشتری قرار می دهد. انحصارها که کنترل قیمتها در بازار را به علت موقعیت انحصاری در اختیار دارند، حتی به هنگام کاهش تقاضا در بازار برای حفظ سودشان به قیمتها می افزایند.

نظام سرمایه داری وابسته با اتکالی که بر سرمایه های انحصاری مراکز امپریالیستی دارد و به علت سمت گیری آن در جهت تامین منافع این سرمایه ها و سرمایه های وابسته داخلی، نه تنها تورمی را که در کشورهای امپریالیستی وجود دارد به صورت تشدید شده ای از طریق مکانیسم قیمتها در بازار جهانی سرمایه داری و توسط شبکه ارتباطات انحصاری امپریالیستی به نظام سرایت می دهد بلکه در درون آن نیز مکانیسم هایی وجود دارد که این تورم را تشدید می کند. بدین ترتیب است که می بینیم نرخ تورم در کشورهای تحت سلطه به مراتب بالاتر از نرخ تورم مراکز امپریالیستی است. طبق برآورد اخیر "صندوق بین المللی پول" میانگین نرخ تورم در کشورهای سرمایه داری امریکای شمالی، اروپا و ژاپن در سال جاری ۱۴ و در کشورهای تحت سلطه ۳۰٪ تخمین زده شده است.

انحصارات وابسته عظیمی که در اقتصاد کشورهای وابسته به فعالیت مشغولند، با کنترلی که به علت موقعیت انحصاری بر بازار دارند، و در حفاظت سیاستهای حمایتی که دولتهای وابسته برای آنها فراهم ساخته است، هر روز قیمتها را افزایش می دهند تا بخش عظیم تری از محصول ملی را تصاحب کنند. بدین ترتیب با کاهش مزد واقعی کارگران و درآمد واقعی زحمتکشان نرخ استثمار در جامعه به نفع سرمایه های انحصاری وابسته افزایش می یابد.

دولتهای وابسته که تمامی هم خود را برای تسهیل رشد و باز سازی سرمایه وابسته و

تامین منافع امپریالیستی به کار می برند، سیاستهایی را دنبال می کنند که تورم زاست مهم ترین این سیاستها سیاست بودجه و سیاست پولی و اعتباری است. بودجه این دولتها بخش عظیمی از درآمد ملی را به خود اختصاص می دهد. در سال ۱۳۵۶، ۵۲٪ از درآمد ملی صرف مخارج دولت وابسته شاه شده بود. تنها بخش ناچیزی از بودجه دولت

چاره تورم، گرانی، بیکاری و دیگر عوارض سرمایه داری وابسته ایران در محو و نابودی این نظام است!

وابسته از محل مالیاتها تامین می شد. دلیل آن روشن است. در آمد کارگران و زحمتکشان به حدی نیست که دولت بتواند مخارج هنگفت خود را از طریق گرفتن مالیات از این قشرهای محروم اجتماعی تامین کند و در ماهیت دولت وابسته نیز نیست که از سرمایه داران مالیاتهای سنگین بگیرد. بدین ترتیب است که می بینیم در ایران بارسنگین مالیاتها بر عهده کارگران و زحمتکشان بوده است. (در سال ۱۳۵۶ تنها در حدود ۱۶٪ از مالیاتها را مالیات بر شرکتهای خصوصی، مالیات بر بهره، مستغلات و ثروت تشکیل می داده است) و مجموع مالیاتها تنها نزدیک به ۲۰٪ از مخارج دولت را تامین می کرده است. ۷۴٪ از درآمد دولت در سال ۱۳۵۶ توسط فروش نفت خام به شرکتهای انحصاری نفتی جهان تامین می شد. واضح تر بگوئیم دولت وابسته شاه بودجه هنگفتی در اختیار داشت که در مقابل بخش عظیمی از آن که از طریق فروش نفت خام تامین می شد، چیزی در اقتصاد

ایران تولید نمی شد، خواه و ناخواه بخش عمده ای از این درآمد بطور مستقیم توسط دولت، یا غیر مستقیم توسط بخش خصوصی صرف خرید واردات و پرداخت سود، بهره و حقوقهای کلان به شرکتهای انحصاری کشورهای امپریالیستی می شد اما در این گذر نیز تورمی گسترده و فزاینده اقتصاد را فرا میگرفت. بخش مهمی از بودجه دولت که صرف "مخارج جاری" می شد اساسا برای پرداخت به دستگاه عریض و طویل ارتش، پلیس، امنیتی و اداری بود. بخش دیگر بودجه عنوانی فریبنده داشت و مخارج "عمرانی" خوانده می شد. هرچند قسمتی از بودجه "عمرانی" صرف ایجاد تاسیسات زیر بنایی در جهت تامین نیازهای رشد سرمایه داری وابسته می شد، قسمت عمده آن برای ایجاد پایگاههای نظامی و جاده ها، فرودگاهها و بنادری که اساسا کاربرد نظامی داشتند، مصرف میشد. اینها همه مخارج تورمزا هستند زیرا بدون این که ظرفیت تولیدی را گسترش دهند، درآمدهای کلان برای قشرهای وابسته فراهم می آورند. این درآمدها تبدیل به تقاضای موثر برای کالاها در بازار می شود و به انحصارات این امکان را می دهد که بر قیمت کالاهای خود بیفزایند.

همانطور که گفتیم اینها عواملی است که بر تورم وارداتی از کشورهای امپریالیستی افزوده می شود و تورمی شدیدتر را در کشورهای تحت سلطه به بار می آورد که نتیجه آن گرانی فوق العاده مایحتاج عمومی است. طبق آمار رسمی شاخص قیمتها برای سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نسبت به سال ۱۳۵۳ به ترتیب: ۲۸/۱٪، ۶۰/۲٪ و ۷۴/۸٪ افزایش یافته است. بدیهی است ارقام رسمی نرخ تورم را کمتر از آنچه بود، می نمود و نرخ تورم در این سالها در ایران بیشتر از اینها بود.

ادامه دارد

مرکب بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

خاطره رفقای فدائی

کامران رضوانی و سیاوش حمیدی گرامی باد

خبر رسید که رفقا کامران رضوانی و سیاوش حمیدی در اثر ریزش ساختمان به شهادت رسیدند. نمی توانستیم باور کنیم. برای آنها که سیاوش و کامران را از نزدیک می شناختند باور کردن این حادثه بسیار مشکل بود.

کامران و سیاوش از بهترین رفقای دفتر مهاباد بودند، کامران از اعضای فعال کمیته کارگری و سیاوش مسئول کمیته انتشارات بود. این رفقا از آغاز فعالیت های علنی در کردستان تاکنون بطور آشتی ناپذیری در سنگر فدائیان خلق با دشمنان خلق به مبارزه برخاستند و در نبرد برای رهایی کارگران و زحمتکشان لحظه ای نیاوردند.

در میان کارگران مهاباد کمتر کسی است که کامران را نشناسد. او برای زحمتکشان چهره ای استثنایی است. کامران در بیشتر تظاهرات و حرکات اعتراضی کارگران مهاباد که برای کسب حقوق از دست رفته خویش انجام می دادند، فعالانه شرکت می کرد. رفیق کامران با همه جوانیش در برخورد با زحمتکشان بسیار متین و شکیبا بود. رفیق برای آموختن، عطش سیری ناپذیری داشت. او همواره می خواست بداند که چگونه باید کارگران و زحمتکشان را متشکل کرد تا آنها بتوانند نقش تاریخی خود را در انقلاب ایفا نمایند.

رفیق کامران جوان ترین عضو کمیته کارگری دفتر مهاباد بود. رفیق اخیراً دوره دبیرستان را به پایان رسانده بود و از اینکه می توانست از آن پس تمام وقت خود را در سنگر فدائیان خلق و در خدمت آگاهی دادن، سازماندهی و تشکل زحمتکشان قرار دهد بسیار خوشحال بود. امروز غمی سنگین بر قلب کارگران مهاباد سایه افکنده است. چرا که کامران دیگر در میان آنها نیست. از اندوه عمیقی که کمیته کارگری و همه رفقای دیگر را در بر گرفته است و از قیافه های رنج دیده و سوخته کارگران کوره یزخانه ها به خوبی می توان غم از دست رفتن رفیق کامران را احساس کرد. سیمای مهربان و قلب بزرگ کامران همواره در خاطره ها خواهد ماند. کسانی که حتی یک بار به دفتر فدائیان در مهاباد آمده باشند بی شک سیاوش را دیده اند. او در انتشارات دائماً مشغول بود. شب و روز کار می کرد. خستگی نمی شناخت. رفیق سیاوش به قدری در انجام وظایف سازمانی اش غرق بود که گاهی چند ماه به خانه شان سر نمی زد و بسیاری شبها را در همان اتاق کوچک انتشارات به صبح می رساند. رفقا همواره او را به خاطر اینکه کمتر به خانواده اش سر می زد مورد انتقاد قرار می دادند و او با مهربانی این انتقاد را می پذیرفت رفیق پشتکار عجیبی داشت. نام "سیاوش" همواره در دفتر طنین انداز بود: رفیق سیاوش کار آمده؟ رفیق سیاوش کمیته شهرستان را فرستاده ای؟

رفیق سیاوش امروز خبرنامه را در محلات کارگر نشین خوب پخش کرده بودی؟ او همه این کارها را با عشق و علاقه بی نظیری انجام می داد. اطاق انتشارات همیشه شلوغ بود و روی میز سیاوش همیشه پر بود از اعلامیه ها و نشریات سازمان و لبخند گرمی که به لب داشت نشان می داد که هیچگاه خسته نمی شود.

ما راه پر افتخار رفقای فدائی را دنبال می کنیم. ما همچنان در راه رهایی کارگران و زحمتکشان به جان خواهیم کوشید. ما به مبارزه بی امان با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و وابستگانش همچون گذشته ادامه خواهیم داد.

آری! این بزرگترین گرامی داشت برای همه شهدای فدائی است. سرانجام پرچم سرخ کارگران و زحمتکشان در سراسر میهنمان برافراشته خواهد شد و نام کامران و سیاوش همچون ستاره سرخ بر تارک مبارزات زحمتکشان خواهد درخشید.

یاد همه شهدای خلق گرامی باد

سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران - مهاباد
۱۹ تیرماه ۱۳۵۹



ایادی امپریالیسم با انفجار بمب ، میتینگ فدائیان خلق در مهاباد را به خون کشیدند

می دانند؟ و هر روز به توطئه و جنایت جدیدی علیه ما متوسل می شوند.

دلیل آن بسیار روشن است. زیرا امروز در سرتاسر میهن نبردی سرنوشت ساز میان انقلاب و ضد انقلاب در گرفته در صف انقلاب تمامی مردم زحمتکش و مبارز ایران و نیروهای انقلابی و ترقیخواه و شخصیت های ضد امپریالیست قرار دارند و در جانب ضد انقلاب کسانی قرار دارند که انقلاب مردم منافع پلید آنان را با خطر نابودی مواجه ساخته و آنها جهت احیای سلطه ننگین امپریالیسم جنایتکار آمریکا از هیچ جنایتی در حق مردم فروگذاری نمی کنند مزدورانی که در اهواز، آبادان و تهران به وسیله بمب گذاری در معابر عمومی و محل تجمع مردم دست به کشتار آنها می زنند، همان مزدورانی که هر روز کودتایی را علیه مبارزات ضد امپریالیستی مردم تدارک می بینند، این بار عمل ننگین خود را در شهر مهاباد، در میتینگ سازمان ما تکرار کردند.

آنها در کردستان همچون سایر نقاط ایران فدائیان خلق را بزرگترین دشمنان خود می دانند. زیرا ما در کردستان چهره کریه ضد انقلاب را افشاء می کنیم. زیرا ما همواره به مردم نشان می دهیم که عناصر و نیروهای ضد انقلاب در منطقه منافع خود را در این می بینند که جنگ برادر کشی در کردستان همچنان ادامه یابد. آنها تلاش ما به خاطر برقراری صلح در کردستان و افشای ضدانقلاب را مانعی در راه وصول به اهداف پلید خود می دانند و می کوشند از طریق دامن زدن به محیط متشنج و ناامنی آتش جنگ برادر کشی را همچنان زنده نگاه دارند. ایجاد حس ناامنی و محیط رعب و وحشت، همه شیوه هایی است که مزدوران و ایادی امپریالیسم جنایتکار آمریکایی به خاطر رسیدن به نیت خود از آن استفاده می نمایند.

فدائیان خلق در کردستان ضمن دفاع اصولی از حقوق عادلانه خلق کرد تمام توان خود را جهت برقراری صلح در کردستان به کار گرفته اند. ما می دانیم که ادامه جنگ در کردستان به دشمنی و خصومت میان مردم ایران دامن زده و مردم ما را از مبارزه با دشمن اصلی یعنی امپریالیسم جنایتکار آمریکا باز می دارد و به عمال و ایادی امپریالیسم و رژیم بعث عراق امکان می دهد تا زیر پوشش دفاع از حقوق مردم در کردستان خود را پنهان نمایند.

آنها اکنون در کردستان فدائیان خلق را دشمن اصلی سیاست های ضد مردمی خود می دانند و از هیچ جنایتی علیه ما خود داری نخواهند نمود! از جانب دیگر رژیم جمهوری اسلامی علی رغم نیت صلح طلبانه نیروهای انقلابی و ترقیخواه در کردستان ضمن عدم تأیید حقوق عادلانه خلق ما سیاست لشکر کشی خود به کردستان را همچنان ادامه می دهد. این سیاست

به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - دفتر مهاباد به مناسبت سومین روز شهادت فدائیان خلق کامران رضوانی، سیاوش حمیدی در میدان قاضی محمد میتینگی برگزار گردید. در ساعت ۷ بعد از ظهر همزمان با آغاز میتینگ در حالی که جمعیت انبوهی در میدان گرد آمده بود، در میان جمعیت بمبی با قدرت تخریبی زیاد منفجر گردید که در نتیجه ۸ نفر شهید و دهها نفر به شدت مجروح شدند.

تنها دشمنان سوگند خورده مردم، عمال مزدور امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم فاشیستی بعث آنها که از آگاه شدن توده ها وحشت دارند، می توانند چنین جنایات بزرگی مرتکب شوند. آنها می خواهند کردستان همچنان در آتش جنگ برادر کشی بسوزد تا منافع کثیف اربابان نشان تامین گردد.

اکنون بیش از یک ماه است، یک سلسله عملیات بمب گذاری توسط ضد انقلاب در مهاباد صورت می گیرد ولی تاکنون این بمب گذاری ها از آنجا که در اواخر شب و اغلب در اماکن و محل های خالی از سکنه صورت گرفته تلفات جانی نداشته است و این اولین بار است که در مهاباد گردهمایی مردم اینچنین مورد هجوم ددمنشانه ضد انقلاب جنایتکار قرار می گیرد.

مگر ما در مراسم یادبود فدائیان شهید کامران رضوانی و سیاوش حمیدی چه می گفتیم که این جنایتکاران، چنین از آن در وحشت و هراسند. چرا در سرتاسر ایران هر روز تعداد بیشتری از رفقای ما به خاک و خون کشیده می شوند و چرا دشمنان مردم، فدائیان خلق را سرسخت ترین دشمنان خود

فاجعه مهاباد و فرصت طلبی «حزب توده»

پیوسته است معرفی کند. این سیاست عملاً در خدمت دشمنان سوسیالیسم و جنبش کمونیستی ایران قرار دارد و مضمون اساسی آن بی اعتبار ساختن سوابق انقلابی سازمان ما است.

۳- با یکسان نشان دادن سیاست سازمان با سیاست های رفرمیستی خود از حیثیت و اعتبار سیاسی سازمان استفاده کند، زیرا "حزب توده" می اندیشد با این تبلیغات قادر خواهد شد که از پایگاه توده های در میان خلق کرد برخوردار شود.

۴- تبلیغات "حزب توده" علیه نیروهای ملی و مردمی خلق کرد، راه را برای ادامه عملیات ارتش در کردستان باز گذاشته و عملاً در خدمت حفظ موجودیت این نهاد ضدانقلابی قرار دارد و برای آن حقانیت و اعتبار کسب می کند. این سیاست بنا به شواهد عینی در پوشش صلح خواهی، در خدمت تداوم جنگ برادر کشی در کردستان قرار دارد.

ارگان مرکزی "حزب توده" مورخ دوشنبه ۲۳ تیرماه تحت عنوان "جنایت تازه ضدانقلاب در کردستان" نوشت:

"سازمان چریکهای فدائی خلق که با موضع گیری مثبت و صحیح اخیر خود در مورد مسئله کردستان، در مقابل اهداف خائنانه جبهه ضدانقلاب و در کنار نیروهای مترقی و انقلابی خلق کرد، چون حزب توده ایران... قرار گرفته است، چنین آماج توطئه و هجوم ضد انقلاب قرار می گیرد و میتینگ وی به خاک و خون کشیده می شود"

روزنامه "مردم" در این عبارات محیلانه کوشش کرده است:

۱- "حزب توده ایران" را که فاقد هرگونه پایگاه توده ای و اعتبار و نفوذ سیاسی در کردستان است، به عنوان یکی از نیروهای سیاسی خلق کرد معرفی کند.

۲- در ادامه سیاست مغرضانه و خود بینانه "توده ایها"، سازمان ما را نیروی سیاسی که تازگی به صف خلق



کودتا

با شرکت فعال پرسنل انقلابی ارتش در هم شکسته شد!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، نخستین بار خبر تدارک یک کودتای بزرگ علیه جمهوری اسلامی ایران را در "کار" ۶۱ مورخ چهارشنبه ۱۴ خرداد به آگاهی مردم رساند. ما در آن تاریخ زیر عنوان "فرماندهان ارتش در فکر کودتا هستند" مرکز عملیاتی کودتا را با معرفی فرمانده پادگان نوزه به اطلاع مردم رساندیم و اعلام کردیم که اجرای کودتا به دلایلی به فرصت مناسب تری موکول شده است.

پرسنل انقلابی در تاریخ ۱۵ تیرماه پس از کشف پیامی که اظهار می داشت "در موقع عملیات عناصر پاسدار و انقلابی را شناسائی و بلافاصله قتل عام کنید" از اجرای قریب الوقوع کودتا آگاهی می یابند.

به دنبال آگاهی از اجرای قریب الوقوع کودتا، پرسنل انقلابی به عناصر مسلح خود و گروههای ضربت آماده باش می دهد و سپاه پاسداران همدان و قزوین و سایر مقامات را در جریان واقعه قرار می دهند.

از روز ۱۶ تیرماه ۵۹ جاده بین همدان تا پایگاه و پایگاه تا سهرابی ساوه تحت کنترل پاسداران قرار می گیرد.

در روز حادثه ۱۸ تیرماه ۲۰۵۹ افسر و درجه دار فراری رژیم شاه که عمدتاً از نیروی مخصوص و گارد شاهنشاهی بودند با تدارکات و تجهیزات کافی در اطراف پایگاه مستقر می شوند. طبق اطلاعاتی که در دست داریم قرار بوده است که بیش از صد نفر از پرسنل درون پایگاه به مهاجمین کمک کنند.

در همین زمان کامیون حامل مهمات مهاجمان، نزدیک پاسگاه پلیس راه شناسائی شده و توسط پاسداران در حوالی "کوری جان" در محاصره قرار می گیرد. درگیری پاسداران با مهاجمین منجر به کشته شدن ۷ تن و دستگیری حدود ۳۰ نفر می گردد.

عملیات شناسائی و دستگیری، مزدوران و در هم شکستن شبکه کودتاگران در تهران نیز، با شرکت فعال پرسنل انقلابی، سپاه پاسداران و افراد کمیته ها با موفقیت به انجام می رسد و به این ترتیب طرح کودتای بزرگی که با رهبری بختیار، این نوکر بی اختیار امپریالیسم و فرماندهان مزدور ارتش جمهوری اسلامی سازمان یافته بود در هم شکسته می شود.

اطلاعه

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - کردند خوب

روستاهای اطراف کردند متعلق به هواداران سازمان فدائیان است که از شهر کردند گریخته اند. . . . ما این خبر جعلی و غیر واقعی را عملی در جهت مخدوش کردن چهره نیروهای انقلابی و دوستان واقعی مردم با ضد انقلابیون دانسته و آن را از جانب هر نیرویی چه ناآگاهانه و چه آگاهانه صورت گرفته باشد قویاً محکوم نموده و آن را عملی در خدمت امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم جهانخوار آمریکا و پایگاههای داخلی می دانیم و بار دیگر آمادگی خود را جهت سرکوب ضد انقلابیون اعلام می داریم.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کردند غرب
۱۶ تیرماه ۱۳۵۹

خلق قهرمان ایران!
مردم زحمتکش کردند و حومه!

ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کردند غرب بارها و باره ای اطلاعاتی متعددی خطری مهاجمات مزدور وابسته به امپریالیسم و پایگاههای داخلی را در پیشگاه مردم افشا نموده و به مقامات مسئول نیز در این مورد هشدار داده ایم. حمله چند روز اخیر مهاجمان را نیز که به شهادت تعداد زیادی پاسدار و روستایی زحمتکش انجامید با تمام وجود محکوم کرده و در اعلامیه ها و راهپیمائی های متعددی آمادگی خود را برای سرکوب آنها اعلام داشته ایم. بطوری که روزنامه اطلاعات (شنبه ۱۴ تیرماه) نیز خبر آن را منعکس نموده است. ولی متأسفانه روزنامه کیهان (شنبه ۱۴ تیرماه) خبری را منتشر کرده مبنی بر این که اسناد به دست آمده در یکی از

ایادی امپریالیسم . . .

امروز عملاً در خدمت تخریب دستاوردهای انقلاب ایران و مشخصاً در خدمت امپریالیسم و ایادی آن قرار گرفته است. کسانی که در مجلس شورای اسلامی اعلام می کنند که حاضر به هیچگونه مذاکره با نیروهای سیاسی نخواهند بود و سیاست سرکوب را دنبال می کنند، همان وضعیتی را در منطقه ایجاد کرده اند که رژیم فاشیستی بعث خواهان آن است. سیاست سرکوب در کردستان از قبل محکوم به شکست است و تنها دشمنان امروز عملاً در خدمت تخریب دستاوردهای انقلاب ایران و مشخصاً در خدمت امپریالیسم و ایادی آن قرار گرفته است. کسانی که در مجلس شورای اسلامی اعلام می کنند که حاضر به هیچگونه مذاکره با نیروهای سیاسی نخواهند بود و سیاست سرکوب را دنبال می کنند، همان وضعیتی را در منطقه ایجاد کرده اند که رژیم فاشیستی بعث خواهان آن است. سیاست سرکوب در کردستان از قبل محکوم به شکست است و تنها دشمنان

نامه سرگشاده . . .

تهران - رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی - رونوشت ریاست جمهوری - رونوشت رئیس دیوان عالی کشور - رونوشت شورای انقلاب - رونوشت دادستان کل انقلاب - رونوشت روزنامه بامداد - رونوشت روزنامه انقلاب اسلامی - رونوشت روزنامه اطلاعات - رونوشت روزنامه کیهان.

من گشتن پسر من آقای دکتر اسماعیل نری میسا در پشت درهای بسته دادگاه اهواز را شدیداً به علت عدم رعایت حقوق اسلامی و بشری محکوم می کنم و آن را توطئه ای علیه ایشان می دانم که بارها به وسیله تلگرام های متعدد به شما اعلام نمودم ولی شما هیچگونه توجهی بدان نکردید. من متحیرم که چرا محاکمه امثال دکتر! کمالی ها علنی است اما گشتن فرزند برومند من که جز خدمت به مردم کاری نکرده بود پشت درهای بسته صورت می گیرد و رادیو - تلویزیون جمهوری اسلامی ایران - اهواز ایشان را دکتر پریسا معرفی کرد. آیا این ترس از بردن اسم ایشان دلیل بی گناهی ایشان نیست؟ در این توطئه عناصری شرکت دارند که حال و وضعیتشان بر مردم شریف خوزستان پوشیده نیست. لذا از شما می خواهم دستور فرمائید پرونده ایشان به جمعیت حقوق دانان ارسال گردد. گرچه می دانم این تلگراف هم مانند تلگراف های دیگر بی جواب خواهد ماند. من از روحانیت مبارز و ملت شریف ایران تقاضا دارم توجه خود را به این موضوع معطوف دارند. من داد خویش را از داور متعال خواهم گرفت.

چراغعلی نریمی سا

نشینیم ما در خون رفقای شهیدمان و همه شهدای خلق هربار نیرومندتر از گذشته برخورداریم خاست. بدنیاال انفجار بمب در میتینگ سازمان، عناصری که دشمنی آنها با سازمان ما بر همه آشکار است، می کوشند از طریق پخش شایعات و سخنان بی پایه و اساس، به اعتبار سازمان در میان مردم لطمه وارد آورند. مگر می توان هزاران نفر را یک به یک مورد شناسائی قرار داد. همیشه این امکان برای ضد انقلاب وجود دارد که اجتماعات مسالمت آمیز توده ها را به خون کشد.

برای جلوگیری از این اعمال باید ریشه عناصر و نیروهای وابسته به امپریالیسم و بعث را نابود ساخت. اگر آنها امروز اجتماع فدائیان خلق را به خون می کشند، بدین خاطر است که ضد انقلاب، وجود سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را با نابودی حتمی خود برابر می بیند. ما ضمن تأثر عمیق و ابراز تسلیت به خانواده شهدای میتینگ سازمان، از خلق قهرمان کرد، بخصوص از مردم مبارز مهلباد می خواهیم در امر مبارزه با عوامل ضد انقلاب ما را یاری داده و هر گونه اطلاعی که از فعالیت این مزدوران دارند به ما اطلاع دهند. اسامی پنج تن از شهدای میتینگ سازمان بدین شرح است:

- ۱- عبدالله استمیری (کارگر)
 - ۲- جعفر عبدالله پور (جوشکار ۱۲ ساله)
 - ۳- رفیق حسن حسن زاده (عضو کمیته کارگری فدائیان خلق در دفتر بوکان)
 - ۴- قادر فالای
 - ۵- محمد امین بهره ور
- اسامی سه شهید دیگر پس از معلوم شدن هویت اعلام خواهد شد.
- مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکایی
- نابود باد رژیم فاشیستی بعث عراق
- برقرار باد صلح عادلانه در کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان
۲۱ تیرماه ۱۳۵۹

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

خلق ایران سالهاست در پیکاری دلاورانه با امپریالیسم و ارتجاع می‌جنگد و در این پیکار شهیدان بیشماری به پیشگاه تاریخ تقدیم کرده و روزهای پرشکوه و خونینی آفریده است. سیام تیرماه سال ۱۳۳۱ یکی از این روزهای خونین و پرشکوه است که در طی آن مردم ایران با فداکاریها، از خود گذشتگی و قهرمانی‌های بیشماری نیروی عظیم خود را به نمایش نهادند و باز هم این حکم بزرگ تاریخ را به اثبات رساندند که دشمنان مردم حقیرتر از آنند که یارای مقاومت در برابر نیروی متحد مردم را داشته باشند.

اکنون پس از ۲۸ سال که از قیام سی تیر می‌گذرد، باز هم مردم زحمتکش ایران در نبردی بزرگ بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، روزهای دشواری را در پیش دارند. نبردی که حفاظت اتحاد و یکپارچگی مردم، شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب و به کارگیری تمامی تجربیات گرانقدر مبارزات خلق ایران و خلق‌های سراسر جهان در آن اهمیت بسیار اساسی دارد. اکنون امپریالیسم جهانی و متحدین داخلی آن کوشش میکنند که جنبش ضد امپریالیستی را به انحراف کشانند و با فریب مردم صفوف آنها را از هم جدا سازند و یک بار دیگر جنبش انقلابی خلق را به شکست دچار سازند.

از این رو استفاده از تجربیات گرانقدری که به قیمت خون هزاران شهید به دست آمده بسیار ضروری است و در این میان تاریخ مبارزات مردم ایران برای ملی کردن نفت و تخطئه اوج آن قیام سی ام تیر، برای ما بسیار آموزنده است، چرا که اکنون به روشنی می‌بینیم بسیاری از سیاست‌هایی که در آن زمان از طرف گروه‌های مختلف اتخاذ شد و در به شکست کشاندن مبارزات مردم موثر افتاد، امروز هم تکرار می‌شود و به مبارزات پرشکوهی که بر علیه امپریالیسم جریان دارد آسیب‌های جدی و جبران ناپذیر وارد می‌آورد.

قیام سیام تیر به دنبال استعفای دولت ملی دکتر مصدق اتفاق افتاد.

در نبرد بزرگ امروز، حفاظت اتحاد و یکپارچگی مردم، شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب اهمیت بسیار اساسی دارد.

مصدق که در مبارزه برای ملی کردن نفت همواره از جانب امپریالیسم و پایگاه‌های داخلی آن - بخصوص دربار پهلوی - مورد تهدید و فشار قرار داشت برای محدود ساختن قدرت نیروهای مخالف خود در خاکمیت تقاضای کنترل و به دست گیری مقام وزارت جنگ را که در دست شاه بود، کرد. شاه این تقاضای مصدق را نپذیرفت. مصدق استعفا کرد و قوام چهره منفور و عامل امپریالیسم انگلستان به نخست‌وزیری رسید. مردم که در طی دوران نخست‌وزیری مصدق کوشش او را در جهت ملی کردن نفت و مبارزه با امپریالیسم انگلستان شاهد بوده و وی را چهره‌ای

ملی می‌شناختند، دست به اعتراض زدند. روزهای ۲۶ تا ۲۸ تیر بازار (یعنی پایگاه عمده مصدق) و دکان‌ها تعطیل کردند. سی نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی (طرفداران مصدق) نیز پس از استعفای او ضمن بیانیه‌ای مردم را به تعطیل عمومی سراسر کشور در روز دوشنبه ۳۰ تیر دعوت کردند.

به مناسبت سالروز قیام ملی ۳۰ تیر

با اتحاد مردم

امپریالیسم و ایادی آن را می‌توان شکست داد

در چنین شرایطی حزب توده هنوز به دنبال سیاست "چپ" روانه خود، از آنجا که مصدق را عامل امپریالیسم امریکا می‌دانست، در برابر استعفای او با بی‌تفاوتی نوشت:

"نتیجه زد و خورد جناحین هیئت حاکمه ایران هر چه باشد پس از ۱۴ ماه یک بار دیگر این حقیقت با کمال وضوح به اثبات رسیده است که هیچ یک از جناحین و شخصیت‌های هیئت حاکمه ایران دوست ملت و هوادار منافع او نیستند."

(دژ، بجای بسوی آینده ۲۷ تیر ۳۱) به این ترتیب حزب توده عملاً مصدق را با قوام در یک ردیف قرار داده و سیاست دشمنی با او را ادامه داد. تنها در صبح ۲۹ تیر پس از گسترش اعتصابات مردم بود که حزب توده قضیه را "جدی" گرفته و "جمعیت مبارزه با استعمار" که وابسته به آن بود طی اطلاعیه‌ای از نیروها و شخصیت‌های ضد امپریالیست از جمله مصدق و کاشانی برای تشکیل جبهه واحد ضد استعماری دعوت کرد. در عصر ۲۹ و صبح ۳۰ تیر نیز از طرف کمیته مرکزی حزب دستور شرکت در تظاهرات صادر شد، آن هم در شرایطی که بخشی از کادرهای حزبی خود به تظاهرات پیوسته بودند.

روزی‌ام تیر مردم به خیابان‌ها ریختند، شرکت حزب توده از یک سو جنبه گسترده‌تری به قیام بخشید و از سوی دیگر با توجه به آشنایی برخی از کادرهای حزبی به فن نبردهای خیابانی و سازماندهی تظاهرات، مقاومت مردم در برابر ارتش و نیروهای نظامی که به دستور قوام به مقابله با تظاهرکنندگان شتافته بودند، از کیفیت بهتری برخوردار شد.

با اوج‌گیری قیام، از یک سو ارتش و نیروهای نظامی به کشتار وحشیانه‌ای دست زدند و از سوی دیگر جناح راست جبهه ملی و "حزب زحمتکشان" متعلق به مظفر بقائی تمام کوشش خود را به کار بردند تا صفوف مردم را دچار پراکندگی و تفرقه ساخته و قیام را به شکست بکشانند. اما علیرغم تمامی این توطئه‌ها مردم در برابر تانک‌هایی که به مقابله با آنان آمده بودند، صفوف متحد خود را حفظ کردند. نزدیک به ۵۰۰ تن شهید شدند تا سرانجام قوام استعفا کرد و مصدق مجدداً با نیروی

مردم بر سر کار آمد. تجارب قیام سی تیر به خوبی نشان می‌دهد که امپریالیسم و ارتجاع همواره مترصد حمله به جنبش انقلابی مردم و پایمال ساختن دستاوردهای آن می‌باشند. نخستین عمل قوام که به دستور شاه در راس دولت قرار گرفت، صدور اعلامیه شدیداللحنی بر علیه

نیروهای انقلابی بود، که کوششی در جهت پایمال نمودن آزادی‌های سیاسی موجود - که تنها بر اثر حضور فعال زحمتکشان در صحنه سیاست به دست آمده بود - و برقراری دیکتاتوری که یکی از شروط ادامه سلطه غارتگرانه امپریالیسم بود، امپریالیسم و مرتجعین داخلی به این ترتیب کوشیدند تا از موقعیتی که بر اثر استعفای مصدق به دست آمده بود، استفاده کرده و جایای خود را هر چه بیشتر محکم کنند. اما قیام سی تیر آنان را به شکست و عقب نشینی مجبور نمود.

این پیروزی مردم، بدون شک نتیجه اتحاد عمل مشترک کلیه نیروهای انقلابی بود که جنبش خلق را از آنچنان قدرتی برخوردار ساخت که بتواند تهاجم امپریالیسم و مرتجعین داخلی را در هم شکند. این امر یکی از ویژگی‌های درخشان ۳۰ تیر بود که در سرتاسر مبارزات دوران ملی شدن نفت تکرار نشد و هیچگاه نیروها و احزابی که هر کدام به نوعی درگیر مبارزه با امپریالیسم بودند نتوانستند جبهه متحدی را بر علیه دشمن مشترک تشکیل دهند. جبهه ملی و مصدق که عمدتاً نمایندگان بورژوازی ملی ایران بودند و رهبری مبارزه را در دست داشتند، بنا به موقعیت خویش همواره نه تنها از نزدیکی با جنبش کارگری سر باز زدند، بلکه در برابر آن صف آرای کرده و با سرکوبی مبارزات کارگری لطافات جبران ناپذیری به جنبش ضد امپریالیستی وارد ساخته و آن را به شدت تضعیف کردند. روش مصدق در برابر جنبش کارگری خشونت آمیز بود. در حالی که وی صف خود را هیچگاه از مرتجعین داخلی جدا نکرده و آنها را هدف حمله قرار نمی‌داد. عناصر امریکایی مثل زاهدی، امینی و دیگران همراه با عناصر دست راستی مثل کاشانی و بقایی با او در یک خط قرار می‌گرفتند، آنها از اعتبار مصدق بهره گرفته، به دروغ خود را دوستان مردم وانمود ساخته و بدینگونه صف دوستان و دشمنان انقلاب را مخدوش می‌ساختند. (امروز نیز با چنین پدیده‌ای در مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها روبرو هستیم، صفوف مردم و سازمان‌ها و احزاب ضد امپریالیست اکنون در حالت پراکندگی است و تمامی تلاشی که از طرف انقلابیون کمونیست و خصوصاً فدائیان خلق برای متحد ساختن صف نیروهای انقلابی به عمل

می‌آید مورد حملات کینه‌توزانه حزب جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. جمهوری اسلامی در دشمنی با نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیست‌ها - یعنی آشتی ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم جهانی - همان راهی را می‌رود که مصدق رفت، این راه ضربات مرگباری بر مبارزات توده‌ها وارد آورده و تنها به سود امپریالیسم و ارتجاع خواهد بود.)

لازم به تذکر است که حزب توده نیز که در آن زمان از قدرت زیادی برخوردار بود، هرگز نتوانست مبارزهای اصولی را برای جلب متحدین طبقه کارگر و تشکیل جبهه واحدی بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی را به پیش برد. این حزب که تا قبل از ۳۰ تیر از ارزیابی صحیح نقش مصدق عاجز مانده بود و به علت نزدیکی او با محافل ارتجاعی روابط دوستانه‌اش با امپریالیسم امریکا و موضع سرکوبگرانه‌اش در برابر جنبش کارگری و با توجه به یک سری علل دیگر او را وابسته به امریکا

"حزب توده" عملاً مصدق را با قوام در یک ردیف قرار داده و سیاست دشمنی با او را ادامه داد. تنها در صبح ۲۹ تیر و پس از گسترش اعتصابات مردم بود که "حزب توده" قضیه را جدی گرفت.

می‌دانست سیاست دشمنی با او را در پیش گرفته بود، چنین سیاستی عملاً مبارزه مشترک کلیه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را دچار آسیب‌های جدی ساخته بود. پس از ۳۰ تیر حزب توده به جای در پیش گرفتن سیاستی مستقل و برقراری رابطه‌ای اصولی با مصدق که همانا پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی او از یک سو و افشای ناپیگیری‌ها، تزلزل‌ها و حرکات ارتجاعی از سوی دیگر بود - بازماند و خود و جنبش کارگری را به دنباله‌روی بی چون و چرا از او کشاند (سیاستی که امروز هم "حزب توده" مبلغ آن است) موفقیتی که پس از قیام ۳۰ تیر و شکست موقت ضد انقلاب به وجود آمده بود، به موفقیتی همه جانبه در برابر امپریالیسم و پایگاه‌های داخلی آن تبدیل نشد. قیام ۳۰ تیر زمینه مناسبی را برای مبارزه جدی با مرتجعین داخلی، یعنی فتوئادال‌ها، دربار و شاه که ضعیف شده بودند، فراهم آورده بود، مصدق گرچه حرکات پراکنده‌ای را در جهت محدود ساختن قدرت مرتجعین به عمل آورد (از جمله بازداشت تعدادی از امرای ارتش، فضل‌الله زاهدی و ...) اما اصولاً قادر به مبارزه‌ای گسترده با این مرتجعین نبود، "حزب توده" نیز که کوشش‌هایی در جهت پیوند مبارزات ضد امپریالیستی با مبارزه بر علیه سلطنت کرده بود، چنین سیاستی را بطور جدی مورد توجه قرار نداد و از موقعیتی که به دنبال ۳۰ تیر به وجود آمد برای سازماندهی گسترده مبارزه توده‌ها بر علیه مرتجعین داخلی و

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی نظامی،

چرا در میزگرد بحث‌های سیاسی شرکت می‌کنیم؟

گردد وحدت روزنامه اطلاعات که نیمه کاره متوقف شد و شرکت در هر میزگرد دیگری را با این گونه ترکیب‌ها در شرایط گنونی به صلاح جنبش تشخیص می‌دهیم. شرکت ما در "میز گرد وحدت" اطلاعات و یا در مباحثه سیاسی تلویزیون نه برای نزدیکی با محافل لیبرال و محافل سه جهانی بلکه درست بر عکس برای افشای سیاست‌های آنان، توضیح مواضع سازمان به توده‌ها و تلاش در جهت ایجاد خط و مرز میان دوستان و دشمنان مردم و نیز دوستان پیگیر و ناپیگیر مردم است.

ما با شرکت در اینگونه میزگردها تلاش داریم فرق

و در این مباحثات شرکت دهند.

جبهه ملی نیز که امروز یکی از مهمترین کلوب لیبرال‌ها است در این مباحثه شرکت دارد و ما همانگونه که تاکنون نشان داده‌ایم لیبرال‌ها را نیرویی می‌دانیم که مورد حمایت امپریالیسم جهانی هستند و در برابر منافع خلق و جبهه خلق قرار دارند.

با اینهمه ما شرکت در این مباحثه، شرکت در میز

ما آمادگی خود را برای شرکت در مباحثه تلویزیونی که قرار است بر سر مسایل سیاسی و ایدئولوژیک برگزار شود، به مسئولان امر اطلاع داده‌ایم. در این مباحثه نیروهای سیاسی متفاوتی شرکت دارند. از ما و مجاهدین خلق گرفته تا جبهه ملی و حتی گروهک سه جهانی رنجبران که دوستان امپریالیسم جهانی هستند.

مسئولان امر با آن که

کم و بیش از ماهیت عناصر سه جهانی باخبرند و می‌دانند سر رشته این جریان دست کیست و با آن که گروهک رنجبران هیچ پایگاهی در میان مردم ما نداشته و ندارد و اصولاً این جریان در جبهه دشمنان خلق ما قرار دارد، تصمیم گرفته‌اند این جریان را به خاطر آن که مهمترین وظیفه‌اش دشمنی با نیروهای انقلابی خلق به ویژه فدائیان و مجاهدین است، تقویت کنند

بنابراین ما این میزگردها را تریبونی می‌دانیم که به سازمان فرصت می‌دهد پیام خود را به گوش توده‌های مردم برساند، جنبه‌های وحدت و تضاد خود را با نیروهای گوناگون سیاسی نشان دهد، صف دوستان خلق را از دشمنان خلق جدا کند و در میان صفوف خلق سیاست پیگیرترین و قاطع‌ترین نیرو را به نمایش گذارد. ضمن اعتراض به شرکت نیروهای مورد حمایت امپریالیسم، در مباحثه تلویزیونی شرکت می‌کنیم.

ما شرکت در این مباحثات را در شرایط کنونی به سود حفظ آزادی‌های سیاسی می‌دانیم. در شرایطی که برخی از جناح‌های حاکم در پی نابودی آزادی‌های سیاسی و تحریف مواضع سیاسی نیروهای انقلابی هستند، شرکت ما در این مباحثات به مردم نشان می‌دهد که چگونه وقتی خود ما سیاستمان را توضیح می‌دهیم و مواضعمان را نسبت به نیروهای سیاسی گوناگون و مسایل جاری جامعه مشخص می‌کنیم با آنچه که دستگاه‌های تبلیغاتی دولت جمهوری اسلامی می‌گویند تفاوت اساسی دارد، این خود اهمیت آزادی سیاسی، اهمیت آن که هر نیرویی فرصت یابد خود مستقیماً با مردم سخن بگوید، بیش از پیش برای توده‌های مردم روشن می‌سازد و این برای تقویت و گسترش آزادی‌های سیاسی اهمیت دارد. در شرایطی که جریان‌های مشکوک می‌خواهند به اتکای چماق‌داران و محافل معروف به حزب الله زمینه بحث آزاد و زمینه گسترش روحیاتی که به رشد آگاهی‌های سیاسی مردم منجر می‌شود در هم بشکنند و فضای اختناق و زبان چماق را در سطح جامعه حاکم گردانند، شرکت ما در این مباحثات به تقویت جو طرفداری از آزادی‌های سیاسی، تضعیف گرایش‌های انحصارطلبانه و تضعیف چماق‌داران و محافل وابسته به حزب الله منجر می‌شود.



باز هم توطئه کودتا فقط اگر مردم با هم متحد باشند امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

در بین صفوف مردم تفرقه و دشمنی باشد. (اکثریت) فقط اگر مردم ما متحد باشند، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند. امپریالیسم امریکا و نوکران داخلی آن در برابر خلق یکپارچه و متحد ما همواره زبون خواهند بود و همواره شکست خواهند خورد.

هم میهنان مبارز! روزی نیست که در این ارتش که از رژیم شاه به جا مانده است توطئه‌ای علیه مردم ما صورت نگیرد. یک روز شبکه جاسوسی فرماندهان ارتش کشف می‌شود. روز دیگر برای نابود کردن اسناد تهاجم نظامی امریکا هلی‌کوپترهای امریکائی را بمباران می‌کنند. یک روز شبکه براندازی در ارتش تشکیل می‌شود و یک روز کودتای نظامی برای نابود کردن ثمرات انقلاب مردم ایران تدارک می‌بینند.

سازمان ماهواره از روزهای قبل از قیام تا امروز نسبت به خطر ضد انقلاب در ارتش به خلق قهرمان ایران هشدار داده است. ما همواره هشدار داده‌ایم که فرماندهان امریکائی ارتش در فکر کودتایند. ما بر خلاف دیگران، بر خلاف آقای رئیس جمهور که اعلام کرد از این ارتش خیانت نخواهد دید همواره به صراحت اعلام کرده‌ایم که این فرماندهان، ایادی امپریالیسم امریکا هستند.

ما همصدا با همه مردم آگاه و مبارز ایران و همصدا با پرسنل انقلابی ارتش با ردیگر هشدار می‌دهیم چنانچه تمام فرماندهان مزدور و خیانتکاران ارتش فوراً تصفیه نشوند، تا وقتی ارتش در دست این فرماندهان باشد، تا وقتی بخواهند اطاعت کورکورانه را به ارتش تحمیل کنند، وقتی می‌کوشند شوره‌های سربازان و درجه‌داران و انجمن‌های آنان را برجینند، خطر این گونه توطئه‌های شوم در ارتش هرگز از بین نخواهد رفت.

توطئه جنایتکارانه کودتای فرماندهان و محافل ضد خلقی ارتش که به دستور مستقیم امپریالیسم امریکا و با همدستی متحدان لیبرال آن و دولت فاشیستی عراق علیه خلق ایران تدارک دیده شده بود، بهاری پرسنل مبارزو انقلابی در هم شکسته شد. نقشه بختیار مزدور و اربابش امریکا، این بار هم با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد.

امپریالیسم امریکا و نوکر سرسپرده او بختیار در ماه‌های گذشته با به راه انداختن تبلیغات وسیع علیه انقلاب ایران، تلاش خود را برای فریب توده‌های میهن ما و فراهم ساختن زمینه به قدرت رسیدن یک حکومت سرسپرده افزایش داده‌اند.

امپریالیسم امریکا و متحدان جنایتکار آن با استفاده از تفرقه میان اقشار مردم، یک کودتای ضد خلقی را تدارک دیده بودند. آنها می‌خواستند یک حکومت دست نشانده امریکا را در ایران روی کار آورند. غافل از آن که میلیون‌ها زن و مرد قهرمان ایران و همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست میهن ما از هر عقیده و گروهی که باشند برغم اختلافات خویش در برابر دشمن اصلی خود امپریالیسم امریکا و نوکران داخلی آن همچنان یکپارچه و متحدند و هر اقدام جنایتکارانه امپریالیسم و نوکران بی‌اختیار آن را در نطفه خفه خواهند کرد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همه نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی را به اتحاد عمل هر چه بیشتر در برابر امپریالیسم امریکا، سرمایه‌داران لیبرال و مزدوران جنایتکار آنها فرا می‌خواند.

برای دفاع از ثمرات خون دهها هزار شهید انقلاب باید همه با هم متحد شویم. اختلاف مذهبی و اختلاف عقیده نباید مانع این کار شود. کسانی که مردم را علیه همدیگر تحریک می‌کنند، کسانی که قطعنامه‌هایی مانعند قطعنامه راهپیمائی جمعه گذشته را علیه سازمان‌های مترقی و ضد امپریالیست صادر می‌کنند دشمن اصلی خلق ما را به فراموشی سپرده‌اند.

مگر نه این که سه ماه پیش امریکائی‌ها درست زمانی به ایران حمله کردند که دستور تهاجم به دانشگاه‌ها و یورش به کردستان صادر شده بود؟ یک بار دیگر ثابت شد که امپریالیسم امریکا و نوکران داخلی آن فقط وقتی جرات پیدا می‌کنند نقشه‌های شوم خود را به اجرا در آورند که

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم امریکا
هر چه مستحکم‌تر باد وحدت مردم ایران علیه امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
جمعه ۲۵ تیرماه ۱۳۵۹

با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

آقای رئیس جمهور!

زیر شعار "شورای شورایی"، ضد انقلاب در صنعت نفت خود را تحکیم می بخشد

(قسمت آخر)

«بحران در تولید و اداره صنعت نفت»

امپریالیست در منطقی ساختن شبکه دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا و ایادی رژیم عراق در دستور قرار گیرد، می توان با بسیج دکل های حفاری و نیروی کارگران و متخصصین حفاری در اسرع وقت تعداد چاهها را در بخش متعلق به ایران افزایش داد و همچنین تاسیسات را برای بهره برداری لازم تکمیل نمود.

مثالی دیگر:

کارگران حفاری با مبارزات خود توانستند از ۳۳ دکل حفاری موجود در خشکی تا قبل از قیام ۲۷ دکل را از شرکت های حفاری امپریالیستی صادره کنند (۵ دکل دیگر در زمان اسناداری تیمسار مدنی نماینده محترم! مجلس و با حکم کتبی خود ایشان تحویل اربابان امپریالیستی گردید که یکی از این دکلها در نوع خود بی نظیر بود و برای حفاری های بسیار عمیق به کار گرفته می شد و به تنهایی حدود ۱۰۰ میلیون دلار ارزش داشت) ولی اینک تنها ۱۲ دکل (۱۰ دکل در خشکی، ۲ دکل در دریایی) کار می کنند. دلیل عدم بهره برداری از کلیه دکلها را باید در توطئه عوامل امپریالیسم در درون و بیرون صنعت نفت جست که در کار سازماندهی سریع شرکت ملی حفاری ایران که با مبارزات کارگران رزمنده حفاری به حاکمیت تحمیل گشته بود اخلال می کنند.

می بینیم که بحران موجود در صنعت نفت دقیقاً به دلیل مبارزه عوامل وابسته به امپریالیسم با کارگران و کارمندان جزء، مبارزه شوراها و کارگری با پیمانکاران و حامیانشان و مبارزه کارگران پروژه های بر سر حفظ با حذف مناسبات و روابط امپریالیستی پیش می رود و این همان بحرانی است که کل جامعه را در بر گرفته است.

کارگران و کارمندان جزء در صنعت نفت تنها با تحکیم سنگر شورائی شان در مبارزه بر علیه توطئه های ضد انقلابی مدیران و روسای سازشکار لیبرال و همچنین انتقاد، افشاء و بی اثر کردن تمامی اقدامات ضد شورائی و ضد کارگری مقامات حکومتی قادر خواهند بود مبارزه ای ضد امپریالیستی - دمکراتیک را به نحوی پیکر گسترش داده و بر بحران هائی صد بار بزرگتر از این نیز غلبه کنند.

* نفت گوره در داخل کشور مصرف چندانی ندارد از طرفی حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد از نفت خام تحویلی به پالایشگاهها تبدیل به نفت گوره و نفتا می شود و عدم صدور این دو ماده باعث پر شدن انبارها می شود و با پر شدن انبارها پالایشگاهها نمی توانند با تمام ظرفیت کار کنند.

مقررات استعماری با قوانین و مقررات انقلابی، هنگامی که دولت را بطور تقریباً یکپارچه در برابر خود دیدند و دیدند که عوامل وابسته و ساواکی ها نه تنها تصفیه نشدند بلکه به پست های بالاتر گمارده شده اند و بسیاری از قراردادهای اسارت بار گذشته با امپریالیست ها افشاء و لغو نگردیده است و هنوز از مقصد نفت و حساب و کتاب در آمد آن کسی مطلع نمی شود، به تدریج دست به نوعی مبارزه منفی و کم کاری زدند و بی توجهی نسبت به نگهداری دستگاهها و

بحران موجود در صنعت نفت دقیقاً به دلیل مبارزه عوامل وابسته به امپریالیسم با کارگران و کارمندان جزء، مبارزه شوراها و کارگری با پیمانکاران و حامیانشان و مبارزه کارگران پروژه های بر سر حفظ با حذف مناسبات و روابط امپریالیستی پیش می رود و این همان بحرانی است که کل جامعه را در بر گرفته است.

بهره برداری بهتر از آنها، روز به روز گسترش یافت. دولت در مقابل، تنها به تهدید و اذیت کارگران و تشدید فشار بر شوراها پرداخت ولی از این فشارها و تهدیدات سودی نبرده و در نتیجه بسیاری از کارها به کندی پیش رفته و یا عقب افتاده است. کند کاری در تعمیر دستگاه آیزوماکس پالایشگاه تهران، تاخیر در به کار افتادن پالایشگاه اصفهان و کاهش تولید روزانه قیر در پالایشگاه آبادان، عمدتاً انعکاس اقدامات ضد کارگری و تشدید فشارهای ضد شورائی مقامات حکومتی بود. مدیران وابسته و سازشکار از این شرایط و اوضاع برای از هم پاشیدن و تشکل کارگران و تحکیم پایه های ضد انقلابی شان در صنعت نفت، وسیعاً بهره برداری کرده و می کنند تا ثابت کنند که این تنها آنها هستند که می توانند صنعت نفت را اداره نمایند. نتیجه آنکه با وجودی که ظرفیت پالایشگاهها نسبت به سال ۵۶ روزانه بیش از ۲۰۰ هزار بشکه افزایش را نشان می دهد ولی چه به دلیل عقب افتادن تکمیل پالایشگاه اصفهان و چه به دلیل کاهش بازدهی کار در سطح کلیه پالایشگاهها، تولید مواد تصفیه شده نفتی کفاف مصرف را نمی دهد. این بحران فقط در پالایشگاهها نیست که نمود پیدا می کند، بلکه در تمام سطح صنعت نفت وجود دارد. بی برنامه گی، کارشکنی و ضعف حاکمیت در پاسخگوئی به مطالبات انقلابی شوراها (افشاء و لغو قراردادهای اسارتبار، تصفیه عوامل ضد انقلابی و...) در صنعت نفت نیز خود را نشان می دهد. مثلاً در حالی که عراق از منبع نفتی مشترک دهلران روزی ۱۵۰ هزار بشکه نفت استخراج می کند به واسطه عدم امنیت در مرز عراق و انفجارهای پیاپی مزدوران ضد انقلابی در لوله های نفت دهلران به اهواز، حتی آن ۳۰ هزار بشکه ای که قبلاً استخراج می شد نیز به وسیله صنعت نفت استخراج نمی شود. اگر به جای جنگ برادرکشی در کردستان، حفاظت مرزها و اتحاد عمل تمامی نیروهای ضد

ب: غلغل مربوط به نیروی انسانی: می دانیم که سالهاست امور پالایشگاههای کشور به دست کارگران و متخصصین ایرانی اداره می شود و اخراج مزدوران و جاسوسان امپریالیسم از صنایع نفت (که بسیاری از آنها فقط حقوق های گزاف دریافت می کردند بدون آنکه کار مثبتی انجام دهند) نتوانست مشکلاتی جدی ایجاد نماید. حال باید به این نکته پرداخت که بر نیروی انسانی، لایق و کارآمدی که تعهد انقلابی اش را نسبت به خلق در اعتصابات سیاسی سال ۵۷ با قطع شریان های اقتصادی رژیم شاه خائن نشان داد چه رفته است.

با بررسی عملکرد پالایشگاهها در سال گذشته می بینیم که سازماندهی تولید و تصفیه و پخش همچنان با عوامل و محافل سازشکار و دوستان امپریالیسم است و این مهمترین عامل نارسائی های موجود در این صنعت است.

طی ۱۶ ماهی که از انقلاب می گذرد شوراها و کارگران و کارمندان جزء همواره از یک سو مجبور به همکاری با مدیران وابسته به امپریالیسم بوده است و از سوی دیگر به علت تضادش با لیبرالها نمیخواهد و نمی تواند دست آنها را هم کاملاً باز گذارد و همواره دادگاه انقلاب را به رخشان می کشد. در نتیجه خلاء یک سیستم مدیریت منسجم (که برای اداره چنین صنعت عظیمی لازم است) آشکار می شود. در چنین بستری مبارزه طبقاتی نمودهایش را در روند تولید و

با بررسی عملکرد پالایشگاهها در سال گذشته، می بینیم که سازماندهی تولید و تصفیه و پخش همچنان با عوامل و محافل سازشکار و دوستان امپریالیسم است و این مهم ترین عامل نارسائی های موجود در این صنعت است.

اداره آن نشان می دهد. نزیه و دیگر مدیران وابسته صنعت نفت که نتوانستند در همان روزهای اول، شوراها و تشکل های توده های کارگران را متلاشی کنند، اولاً دست به توطئه های گوناگون برای دامن زدن به اختلافات سیاسی در کارخانه ها و کارگاهها و ادارات زدند تا شاید تولید را مختل و یا متوقف نمایند. و ثانیاً خود را از انجام بسیاری از کارها و مسئولیت هائی که بر عهده شان بود زیرکانه کنار کشیدند تا بدین طریق به جمهوری اسلامی و بخش ناآگاه توده های کارگر صنعت نفت ثابت کنند که باعث و عامل همه خرابی ها و ضعفها و اشکالات، شورا و کارگرانی هستند که برای قطع وابستگی این صنعت تلاش می کنند. اینان با استغفاهای تاکتیکی و مرخصی های طولانی مدت و نیز با شکوایه های خود به "شورای انقلاب" و "دفتر امام" سعی کردند و می کنند گناه عمده اختلال در تولید و تصفیه و توزیع را به گردن کارگران و کارمندان جزء و شوراها بیندازند در حالی که خود عامل عمده عقب افتادگی و اختلال در کارها بودند. توده کارگران و کارمندان جزء نیز پس از مدتی مبارزه در راه قطع وابستگی ها و احقاق حقوقشان و به ویژه مبارزه برای جایگزین کردن قوانین و

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند.

اخبار کارگری



در مجتمع مس سرچشمه ،

مدیریت می خواهد سندیکای فرمایشی تشکیل دهد ولی

کارگران خواهان شوراهای واقعی اند

شورای کارکنان مجتمع مس سرچشمه که خواهان بهبود وضع شرکت و به راه انداختن کارخانه و بالا بردن قدرت تولید است ، با مدیریت شرکت که همواره در صدد ایجاد اختلال در امر تولید و اداره مجتمع سرچشمه بوده و هست ، طی ماههای اخیر درگیریهای بسیاری داشته و دارد . رئیس شرکت ، مهندسی است به نام مداح که به توصیه بازرگان به مدیریت شرکت گمارده شده و سیاستش همواره این بوده است که با ایجاد اختلال در کارها و احیاناً خواباندن کار ، وانمود کند که بخشها و قسمت‌های کارخانه چون فاقد متخصصان ، خوابیده‌اند و

باید کارشناسهای خارجی دوباره برگردند و کارخانه ذوب را به راه بیندازند . ولی شورای کارکنان زیر بار این سیاست اخلاک‌گرانه مدیریت نرفته و معتقد است که تمام کارهای مجتمع مس سرچشمه می‌تواند به وسیله کارشناسان ایرانی و شورا اداره شود . شورا در جهت اقباشی اقدامات اخلاک‌گرانه مدیریت بارها به مقامات مسئول مراجعه نموده و

خواستار بررسی وضعیت اداره مجتمع مس شده است و بارها به رئیس جمهور ، استاندار کرمان و کمیته رفسنجان شکایت کرده است . ولی همه آنها کم و بیش از مدیریت در مقابل شورا حمایت کرده‌اند . شورا به دنبال این مراجعات از وزارت صنایع و معادن خواستار اعزام هیئتی جهت رسیدگی به مشکلات شرکت شد ولی هیئت مزبور نیز برخورد مسئولانه‌ای با

مسئله تولید و اداره شرکت نداشته است . در این اواخر مدیریت برای تضعیف شورا در صدد برآمده که سندیکای فرمایشی سابق را احیاء کند از این رو از کارگران خواسته است که به جای شورای فعلی شان سندیکا تشکیل بدهند و منظور و منطقی هم از اینکار این است که شورا در رابطه با مدیریت حساب و کتاب و حد و حدودی برای خودش قائل نیست ، حال

اینکه سندیکا (سندیکای فرمایشی) در چار چوب قانون کار موجود (که هنوز همان قانون کار گذشته است) حساب و کتابش روشن است ! ولی کارگران که خواستار شورای واقعی هستند از تشکیل سندیکای فرمایشی‌ایکه به وسیله مدیریت پیشنهاد شده است استقبال نکرده‌اند و حاضر نیستند شورای فعلی شان را علیرغم همه ضعف‌هایی که دارد ، در ازاء ایجاد یک سندیکای فرمایشی از دست بدهند . از این رو از شکل شورای شان در مقابل تعرضها و توطئه‌های مدیریت ، پیگیرانه دفاع می‌کنند .

وجود دارد که سیاست‌های غیرمسئولانه و چپ روانه منشعبین به شناخت مردم زحمتکش ، به ویژه طبقه کارگر از سازمان و سیاست‌های آن لطامت جدی وارد آورد . درک ضرورت این مسئله و پیگیری آن نقش اساسی در تحکیم پایگاه فدائیان خلق در میان توده‌ها ایفا خواهد کرد .

بقیه از صفحه ۱۲
از این پس نشریات ،
مکاتبات و ...
یافته است .

لازم به تذکر است که افشار روشنفکری خلق اکنون بطورنسبی در جریان اختلاف نظر ما و اقلیت منشعب قرار گرفته‌اند . اما این خطر واقعا

بخاطر سودجویی سرمایه داران و پیمانکاران از فروردین ماه تاکنون ۱۰ تن از کارگران بندرخمینی جانشان را از دست دادند

داده‌اند ، مطامع و سودجویی‌های سرمایه داران و پیمانکاران را انگیزه این جنایات دانسته و مناسبات غیر انسانی سرمایه‌داری را که چنین جنایاتی را بطور روز مره امکان پذیر می‌سازد محکوم نمودند . و ضمن اعتراض شدید به بی‌توجهی مسئولین ، حتی فقدان آمبولانس برای مواقع اضطراری و ... مصرانه خواستار تامین وسایل ایمنی کار شده و در پایان ، بر اتحاد و تشکل کارگران به عنوان مهمترین تضمین برای تامین خواست‌های کارگران بندر و مقابله با مطامع روز افزون سرمایه‌دازان و پیمانکاران تاکید کردند .

در هفته‌های اخیر ، یوسف صمیمی (یکی از کارگران پیمانکاری رحمانی) که روی اسکله‌های جدید کار می‌کرد ، در حین کار به زیر چرخ‌های تریلی می‌رود و جان می‌سپارد . و جعفر عزیز (کارگر پیمانکاری بقائی) حین تخلیه روغن کشتی آریا رخ روی اسکله ۴ ، بر اثر برخورد بار (سلنگ کشتی) به او ، از روی تریلی به دریا پرتاب می‌شود و در مقابل چشمان حیرت‌زده کارگران اسکله ، غرق می‌شود . از فروردین ماه ۵۸ تا کنون ۱۰ تن از کارگران بندر خمینی جانشان را در حین کار از دست داده‌اند . کارگران پیشرو بندر خمینی در اعلامیه‌ای که به این مناسبت

نامه گروهی از کارگران نانوائی‌های قهرمانشهر (کرمانشاه) به "کار"

برای ما به یادگار گذاشت ، دوم دولت بازرگان بود که وضعش تعریفی نداشت چون خیلی سازشکار بود و سوم هم همین دولت فعلی که مثل بازرگان نیست ولی سیاست‌هایش در مورد گرانی و کمیابی و ... به جای اینکه به نفع زحمتکشان تمام شود بیشتر مایه زحمت و دردسر زحمتکشان می‌شود . بدتر از همه این که ، خرابی وضع و ضعف خودش را گردن کمونیست‌ها و شوراهای می‌اندازد . باید ارزش پرسید : خودت نمی‌توانی اوضاع را درست اداره کنی ، چرا یقه دیگران را می‌گیری؟ ولی وضع اینطور نمی‌ماند ، چونکه طبقه کارگر با دیگر زحمتکشان و با اتحاد هر چه بیشتر روز به روز قوی‌تر می‌شود و همه دشمنان ریز و درشت زحمتکشان را از سر راهش بر می‌دارد .

مرگ بر امپریالیسم
زنده باد طبقه کارگر

یک طرف جمعیت زیاد شده و از طرف دیگر سهمیه کم شد و قیمت هم که معلوم است بالا می‌رود و این وسط دولت با سیاست‌های سر در گمش وضع را بدتر می‌کند . حساب نکرده کار می‌کند ، بدون آنکه به فکر این مسئله باشد که با این سهمیه کم و این گرانی آیا مردم شکمشان سیر می‌شود یا نه؟ در مورد گرانی و کمیابی نان و سهمیه کم و غیره دولت طوری قضیه را طرح می‌کند که خیلی‌ها کارگرا و نانواها را مقصر گرانی نان می‌دانند و کاسه و کوزه این وضع خراب را می‌خواهند سر آنها بشکنند . ولی کارگر و نانوا که نمی‌توانند بیشتر از سهمیه‌ای که دولت تعیین می‌کند نان تحویل مردم بدهند . حقیقت این است که علت اصلی اینهمه خرابی وضع در وهله اول ، آن رژیم جنایتکار و کارگر کش پهلوی بود که مزدور آمریکا بود و مملکت را از ریشه فاسد کرد و رفت و اوضاع خراب را

ما گروهی از کارگران خبازی‌های کرمانشاه و حومه ضمن اعلام همبستگی خود با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، خواهان درج مطالبمان در روزنامه "کار" هستیم . این مطالب به سهم خود به آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان در مورد گرانی و کمیابی نان کمک می‌نماید . باید مردم زحمتکش و فداکار که همیشه خواستار حقیقت هستند از همه مسائل لازم سر در آورند و شما موظفید که حقایق زندگی کارگران و زحمتکشان را بدون ترس از کسی بگوئید . کمبودهایی که اخیرا در نانوائی‌ها به وجود آمده و خواهد آمد ، مسئله کوچکی نیست ، یک مسئله حیاتی برای زحمتکشان است و نمی‌شود همینطوری بی‌توجه از آن گذشت . پیش از انقلاب ، یعنی در دوره شاه خائن ، سهمیه گندم استان کرمانشاهان ۱۰۵ تن بود که تقریباً برای ۵۰۰ هزار نفر مصرف کننده در نظر گرفته شده بود . بعد از انقلاب از

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

قسمت هائی از:

هشدار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان به مسئولین امر

آنچه ما را بر آن داشت تا این هشدار را به همه مسئولین امر و مردم مسلمان و مبارز خود بدهیم، احساس مسئولیت سنگینی بود که در عوالم و پاسداری از خون شهیدان انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن نموده و می‌نمائیم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی مدظله‌العالی و سقوط رژیم شاهنشاهی در این مملکت، نهادهای انقلابی از قبیل سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب، بنیاد مستضعفین، و دادستانی‌های انقلاب و... بنا به فرمان امام امت برای حفظ دستاوردهای انقلاب تشکیل شد. فلسفه نیت پاک و مقدس امام از تشکیل این نهادها رسیدگی فوری و انقلابی به حال مستضعفین و زاغ‌نشین‌ها و محرومین و هم‌چنین مبارزه قاطع با عناصر رژیم سابق از قبیل ساواکی‌ها، فئودال‌ها و سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و خون‌آشام و عناصر ضدانقلاب دیگر بود زیرا که بدون مبارزه جدی و انقلابی با ریشه‌های فاسد و گندیده رژیم سابق و پایگاه‌های امپریالیسم در داخل کشور، انقلاب به معنی واقعی تحقق پیدا نمی‌کند... مگر این سرمایه‌داران بزرگ و ملاکین و فئودال‌های زمین‌خوار از راه‌های غیر مشروع و ناپاک صاحب این همه امکانات مادی نشده‌اند مگر همین‌ها کم با رژیم خائن پهلوی همکاری و دوستی‌هایی نزدیک داشتند؟ مگر غیر از این است که این زالوها برای حفظ منافع کثیفشان با این انقلاب مخالف بوده و چماق بدست راه می‌انداختند؟ و جیره‌خوارانشان جاویدشاه می‌گفتند و به مردم حمله می‌کردند؟ مگر غیر از این بود که تیمسار مزین جلاد زمین‌ها را از دهقانان و کشاورزان فارس و ترکمن به زور گرفته و به همین مزدوران سرسپرده و سرمایه‌دارها می‌داد؟ پس چرا نباید از آنها به زور گرفت؟ امام می‌فرمایند که مستضعفین باید به زور حق خود را از مستکبرین بگیرند زیرا آنها حق آنها را نخواهند داد... چرا ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد این همه توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی بودیم و هنوز هم هستیم؟ آیا غیر از این است که مقداری از این توطئه ناشی از سستی و سازشکاری و مسامحه‌کاری مسئولین مملکت بود؟ چرا تا بعد از ۸ ماه از پیروزی انقلاب لانه جاسوسی امریکا در ایران مشغول توطئه بود و مسئولین غافل بودند؟ چرا اینقدر به ساواکی‌ها رودادند که با کمال بی‌شرمی در یک روز معین تعدادی از آنها جلو کاخ نخست‌وزیری جمع شوند و طلب حقوق نمایند؟ چرا با فئودال‌های بزرگ مبارزه جدی نشد و متأسفانه بعضی از آقایان زیر بال اینها را

گرفته و از آنها دفاع می‌کنند و آنها هم می‌روند قم و در کنار منزل امام تحصن کرده و خود را کشاورز و دهقان معرفی می‌نمایند (البته متأسفانه از طرف یکی از روحانیون مشهد به استاد رضا صفهانی تلفن زده می‌شود که کاری کنی که آنها را در قم راه‌بند و حرفه‌ایشان را بزنند که بعد استاد رضا صفهانی این قضیه را برای ما فاش کرد)... بعد از پیروزی انقلاب روزهای اوائل این سرمایه‌دارهای بزرگ و فئودال‌ها وساواکی‌های فراری بودند و جلو چشم مردم نمی‌آمدند از بس که کارهای ننگین و فساد داشتند اما حالا با خیال راحت در خیابان‌ها قدم می‌زنند و سیگار کنار لب و بادی هم به غیب انداخته و به ریش همه ما می‌خندند و گاهی اوقات بعضی از اینها خودشان را مستضعف خوانده و خواهان کمک هم هستند و خلاصه طلبکار هم هستند. آنها فکر می‌کنند که مردم یادشان رفته که چکاره بوده‌اند و منتظر هستند تا انشاءالله در یک دادگاه انقلابی اسلامی به سزای اعمالشان برسند.

به‌هوش باشید که دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه در این امر شریک هستند، همانهایی که تنگ‌نظر هستند و تحمل عقیده مخالف خود را ندارند. و در هر صورت صحبت زیاد است و این درد دل مال ما تنها نیست. بزرگان دیگر ما هم از این دردها زیاد دارند. از همه مسئولین امر و مردم مسلمان و مبارز خود می‌خواهیم که به‌هوش باشند و هشدار می‌دهیم که دشمن در کمین است و هر لحظه به ما فکر می‌کند و برای ما نقشه‌ها می‌کشد تا شاید ما را به هم مشغول نماید و بجان هم بیندازد و تا خودمان یکدیگر را به جای او محکوم نمائیم و او استفاده‌اش را ببرد. به‌قول یکی از بردران نمی‌دانیم از دوست بنالیم یا از دشمن!

در پایان اجرای موارد زیر را از مسئولین امر خواستاریم:

- ۱- تهویض فوری طباطبائی دادستان انقلاب استان مازندران
- ۲- تعقیب جدی سرمایه‌داران و فئودال‌های بزرگ توطئه‌گر و مصادره اموال آنها
- ۳- دادن اختیارات بیشتر به سپاه جهت انجام کارهای انقلابی
- ۴- تجدید محاکمه افرادی که بناحق آزاد شده‌اند خصوصا ساواکی‌ها

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان
روابط عمومی

۰۰۰ نفترگران ۲۳ تیر

بقیه از صفحه ۴ تیر

سازمانگر تمکین کارگران به سیاست‌های ضد کارگری و ضد انقلابی قوام شد. امروز جنبش کارگری ایران سنت‌ها و تجارب مبارزاتی خونباری را پشت سر دارد که اعتصاب خونین ۲۳ تیر یکی از درخشانترین این سنت‌هاست در پی نفترگران شهیدی که در ۲۳ تیر در راه آرمان پرولتاریا جان باختند، امروز مردان و زنان برومند بسیاری در سراسر میهن پرچم سرخ آرمان شکوهمند آنان را با افتخار بر دوش می‌کشند. طبقه کارگر ایران در اعتصابات عمومی سال ۵۷ نشان داد که چه ظرفیت مبارزاتی عظیمی در خود نهفته دارد. نفترگران رزمنده و قهرمان در آستانه قیام نشان دادند که چگونه شریان حیاتی رژیم وابسته به امپریالیسم را می‌توان قطع کرد و امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن را به عجز و لایه واداشت. مبارزات نفترگران اکنون با درس‌آموزی از این تجارب مبارزاتی و با پاسداری از این سنت‌های مبارزه انقلابی، در سنگر ضد امپریالیستی شوراها علیه پس مانده‌های رژیم شاه و مدیران لیبرال و سازشکار صنعت نفت همچنان ادامه دارد. مبارزاتی که در جهت تدوین قانون جدید کار، تامین حقوق صنفی و مهمتر از آن مبارزه برای لغو قراردادهای امپریالیستی و بازمانده روابط استعماری حاکم بر صنعت نفت جریان دارد و اولین گام اساسی‌اش را در راه پاکسازی و تصفیه انقلابی مدیران سر سپرده و سازشکار و خنثی کردن بخشنامه‌های ضد کارگری و ضد شورائی صنعت نفت و تحکیم سنگر شوراها در مبارزه بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا به پیش می‌گذارد، تا پرچم خونین حماسه ۲۳ تیر نفترگران رزمنده را به شایستگی بر سنگر ضد امپریالیستی شوراها در اهتزاز نگهدارد.

جاودان باد خاطره
شهادی به خون خفته راه
پرولتاریه



از این پس نشریات، مکاتبات و نظرات سازمان به امضاء

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

انتشار می‌یابد

منشعبین و گروه اشرف دهقانی که از آرم و نام سازمان استفاده می‌کنند، بر عهده نخواهد گرفت و تنها مسئولیت آن اقدامات و مواضعی برعهده ماست که تحت نام و عنوان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) صورت پذیرد.

* * *

توضیح تفاوت مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) با مواضع اقلیت منشعب برای مردم به ویژه اقشار زحمتکش خلق از مبرم‌ترین و فوری‌ترین وظایف هواداران است. امروز کوشش برای ترسیم خط و مرزهای بین ما و اقلیت برای توده‌ها بیش از هر زمان دیگر اهمیت بقیه در صفحه ۱۱

از انشعاب در ذهن مردم هنگام برخورد با مواضع سازمان بیش از همه واژه "اکثریت" تداعی شده است از همین نظراست که افزودن "اکثریت" به نام سازمان در شرایط مشخص فعلی بیشترین انطباق را با شناخت توده‌ها از سازمان ایجاد خواهد کرد.

در این فرصت لازم است یک بار دیگر تاکید کنیم که سازمان هیچ نوع مسئولیتی در برابر مواضع و اقدامات

افزودن "اکثریت" به نام و امضای رسمی سازمان، بی‌آمدهای این عمل غیر مسئولانه "اقلیت" را خنثی کند.

بدین ترتیب از این پس تمام نشریات، مکاتبات و نظرات سازمان تحت عنوان "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)" انتشار خواهد یافت.

انتخاب کلمه اکثریت و افزودن آن به نام سازمان به این علت بوده است که بعد

از آنجا که "منشعبین" با برخوردی غیر مسئولانه حاضر نشدند بر استفاده از علائم و نام سازمان و نشریات آن با اکثریت توافق کنند و می‌کوشند با این عمل خود همانگونه که پیش بینی می‌شد در اذهان توده مردم نسبت به هویت مستقل خود اغتشاش ایجاد کنند، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن غیر اصولی شناختن این نحوه برخورد، بطور یک جانبه تصمیم گرفته است با



زحمتکشان «دکه دار»: ما کار می خواهیم!

وسایل امرار معاش ما را تأمین کنید

■ شهرداری مسئول قتل دو زحمتکش دکه دار است

روز هفدهم تیر ماه شهرداری تهران با صدور اطلاعیه‌ای که چندین بار از رادیو پخش شد اعلام داشت "دکه داران باید ظرف ۴۸ ساعت دکه‌های خود را تخلیه و جمع‌آوری کنند. در غیر این صورت شهرداری اقدام به این کار خواهد کرد و هیچگونه مسئولیتی نیز متوجه شهرداری نمی‌باشد."

با اعلام این بخش‌های "دکه داران" که بخش‌های وسیعی از آنان در شمار زحمتکشانی هستند که در نتیجه بیکاری و گرسنگی از این طریق امرار معاش می‌کنند دست به تحصن و اعتراض زدند. بی‌اعتنائی مقامات رسمی به خواست‌های "دکه داران" که به حق خواهان "کار" بودند منجر به درگیری‌های خشونت‌آمیزی شد که طی آن ۱۱۰ تن بازداشت، دهها تن مجروح و دو تن از دکه داران - به اسامی رضا سجادی و اصفهانی به شهادت رسیدند. یورش به "دکه داران" و شهادت دو تن از آنان به محیط تشنج و درگیری دامن زد و زمینه را برای حرکات لجام گسیخته مهیا کرد که در مجموع اقدامی علیه زحمتکشان بود که نفرت همگان را برانگیخت. ما ضمن محکوم کردن اقدام شهرداری تهران، خواست دکه داران را مبنی بر تأمین کار و وسایل امرار معاش بر حق دانسته و از آن دفاع می‌کنیم. زحمتکشان دکه دار با طرد عواملی که خواهان خشونت و درگیری هستند با اتحاد و تشکل بیشتر - آگاهانه و با پرهیز از هر گونه خشونت به مبارزه جهت تأمین خواست‌های عادلانه خود ادامه می‌دهند.

در زیر قسمت‌هایی از اطلاعیه‌هایی را که توسط دکه داران انتشار یافته است می‌خوانید:
" شما می‌خواهید پاکسازی کنید یا اینکه دکه داران را به خاطر امرار معاش به

هزاران کار خلاف وادار کنید؟ شما می‌خواهید پاکسازی کنید یا اینکه آنان را به خاطر بیکاری به سوی مواد مخدر سوق دهید؟ ما از مسئولین این سؤال را داریم که چه دست‌هایی هستند که مردم را از کار کردن شرافتمندانه باز می‌دارند و آنان را به سوی نارضایتی سوق می‌دهند. در اینجا لازم است اعلام کنیم که اگر کاری برای ما فراهم گردد، خودمان تضمین می‌کنیم که دکه‌ها را جمع کنیم و الا هیچگونه درآمدی جز دست فروشی برای سیر کردن شکم زن و بچه ما وجود ندارد. (دکه داران اطراف دانشگاه)

" ما بارها اعلام کرده‌ایم که در رابطه با این مسائل باید به دنبال علل اساسی بگردیم. اما علت اساسی در این مورد چه می‌تواند باشد؟ از نظر بیکاران تأمین کار تولیدی برای این افراد. (اتحادیه صنفی کتابفروشان کنار خیابان)

" ما اعلام می‌کنیم که این دکه‌ها محل گذران زندگی ماست و از دست دادن آنها به قیمت بیکاری و گرسنگی خانواده‌های ما تمام می‌شود" و در قسمت دیگر اعلامیه آمده است:

" بیکاری زائیده نظام سرمایه‌داری است و در نظام سرمایه‌داری، بیکاری، فقر، گرانی، اعتیاد، فحشاء و همه پلیدی‌ها وجود دارد و راه رهایی از همه این پلیدی‌ها نابودی سرمایه‌داری است. (اتحادیه دکه داران خیابان مصدق)

به دنبال این جریانات روز پنجشنبه ۱۹ تیر ماه بعد از پایان یافتن مهلت مقرر، دکه داران اطراف دانشگاه، سراسر مصدق و پارک ملت

تصمیم می‌گیرند که برای لغو این دستور دست به یک راهپیمایی به طرف نخست - وزیر بزنند. دکه داران با هوشیاری تمام مراقب ضد انقلاب بودند. بطوری که بارها از پشت بلندگو تکرار می‌کردند:

" صف ما از صف ضد

دکه داران خود اقدام به جمع‌آوری دکه‌ها خواهند نمود. با وجود این عده‌ای از راهپیمایان به شهرداری رفتند اما به جای ملاقات با شهردار با پاسداران و نیروهای مسلح انتظامی روبرو شدند. بعد از بی‌توجهی به خواست آنها و متشنج شدن

یورش سرکوبگرانه به دکه داران و شهادت دو تن از آنان اقدامی علیه زحمتکشان بود که نفرت همگان را برانگیخت.

ما تأکید می‌کنیم که حل مسئله دکه‌داری تنها در ایجاد کار برای دکه داران و کلیه بیکاران میسر است.

انقلاب جداست و ما هیچگاه با بختیار و امریکا همصدا نمی‌شویم. و هر بار که عناصری در صدد دادن شعارهای انحرافی بر می‌آمدند نمایندگان اتحادیه‌های دکه داران که بنا بر ضرورت در طول همین مدت به وجود آمده بود از آن جلوگیری می‌کردند. دکه داران زحمتکش شعار می‌دادند:

" شعار هو دکه دار: کار برای بیکار ایجاد باید گردد."

دکه داران وقتی به نخست وزیر رسیدند کسی حاضر نشد با آنها صحبت کند. تا اینکه یکی از مسئولین دفتر ریاست جمهوری گفت:

" به شهرداری بروید. شهردار منتظر شماست. دکه داران می‌دانستند که هدف خسته کردن و پراکنده کردن آنهاست، لذا قطعنامه‌ای صادر کرده و طی آن در خواست نمودند که نماینده آنان در شورای پاکسازی شهر شرکت داشته باشد تا با کمک دکه داران به ادامه کار عواملی که تحت پوشش دکه‌داری به اعمال خلاف مشغولند پایان داده شود و کار برای دکه داران ایجاد گردد و در آن صورت

اوضاع پاسداران تیراندازی کرده و دو نفر به اسامی رضا سجادی و اصفهانی شهید شده تعدادی مجروح و ۱۱۰ نفر نیز بازداشت و به زندان قصر منتقل شدند. به دنبال وقایع چند روزه روز شنبه دکه داران همه در دکه‌هایشان حاضر بودند، زیرا آنها نمی‌توانستند وسیله امرار معاش خود را رها سازند ولی حدود ساعت ۱۰ شب همان روز به دستور مسئولین شهرداری برق‌های شهر قطع شد و از ساعت ۱۲ راه‌های ورود به خیابان مصدق (از ولی عصر به سمت شمال) را بستند و ماموران شهرداری تا ساعت ۵ صبح با بولدوزر بساط دکه داران را با استفاده از تازیکی شب جمع کرده و با خود بردند.

صبح روز یکشنبه دکه داران وقتی بر سر کارشان آمدند با ماشین‌های آب پاش شهرداری برخورد کردند که به آب پاشی در جای خالی دکه‌ها مشغول بودند. در این هنگام در سراسر پیاده‌رو مصدق انبوه عظیمی از مردم و دکه داران ایستاده و مشغول بحث بودند و جو متشنج اوضاع و احوال را برای بهره‌برداری عوامل بختیار فراهم آورده بود که حضورشان در میان

مردمی که معترض و خشمگین ایستاده بودند، به خوبی احساس می‌شد و به قول یکی از دکه داران که می‌گفت:

"چه دست‌هایی هستند که مردم را به سوی نارضایتی و بهره‌برداری ضد انقلاب سوق می‌دهند؟"

اکنون باید پرسید در میان دولت چه کسانی هستند که زمینه را برای رشد و قدرت یافتن مزدورانی چون بختیار آماده می‌سازند؟

آیا بر بستر همین اعمال گنج‌سراجه و ندانم‌کاری و به دنبال آن دسیسه‌های دوستان امپریالیسم در حاکمیت نیست که زردوری چون اویسی می‌گوید:

"ما برای کودتا نمی‌آئیم

ما قیام خواهیم کرد گنج‌سری‌ها و ندانم‌کاری‌ها که به جای حل مشکلات اساسی مردم زحمتکش و دامن زدن به شور انقلابی آنان با پرداختن به مسائلی چون حجاب و نوارها و دکه‌ها و باعث گسترش بی‌تفاوتی و نارضایتی توده‌ها می‌شود و در این میان

دوستان و امپریالیسم در راس آدازه امور با دامن زدن هر چه بیشتر به این مسایل سعی می‌نمایند تا مسئله تغییر نظام جامعه را در همین امور خلاصه کرده و به دوستان خود در خارج از حاکمیت برای بهره‌برداری از نارضایتی‌ها یاری رسانند.

ما می‌پرسیم چرا دولت به جای مبارزه با سرمایه داران و تجار و فروشندگان و لوکس فروشان بزرگ که باعث افزایش هر چه بیشتر بیکاری و تورم در جامعه هستند به مبارزه با دکه داران و دستفروشان دست می‌زنند که اکثر مردم زحمتکشی هستند که خود از زور فشار همین عوارض نظام سرمایه‌داری و سودجویی سرمایه داران به کنار پیاده روها به دستفروشی روی آورده‌اند.

ما تأکید می‌کنیم که حل مسئله دکه‌داری تنها در ایجاد کار برای دکه داران و کلیه بیکاران میسر است و امر پاکسازی و مبارزه با فحشاء و قاچاق تنها با اتکاء به خود دکه داران مقدور است.

ما تأکید می‌کنیم که حل مسئله دکه‌داری تنها در ایجاد کار برای دکه داران و کلیه بیکاران میسر است و امر پاکسازی و مبارزه با فحشاء و قاچاق تنها با اتکاء به خود دکه داران مقدور است.

ما تأکید می‌کنیم که حل مسئله دکه‌داری تنها در ایجاد کار برای دکه داران و کلیه بیکاران میسر است و امر پاکسازی و مبارزه با فحشاء و قاچاق تنها با اتکاء به خود دکه داران مقدور است.

ما تأکید می‌کنیم که حل مسئله دکه‌داری تنها در ایجاد کار برای دکه داران و کلیه بیکاران میسر است و امر پاکسازی و مبارزه با فحشاء و قاچاق تنها با اتکاء به خود دکه داران مقدور است.

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بیانیه معلمان پیشگام

درباره انشعاب "اقلیت"

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به نفع جنبش انقلابی مردم میهن ما باشد. رفقای "اقلیت" با "استفاده" از پاره‌ای نارسائی‌ها و نقصان‌هایی که طبیعی یک سازمان جوان کمونیستی است فرصت طلبانه از سازمان جدا می‌شوند و به راه خود می‌روند. این رفقا گمان می‌کنند که با "جدا" شدن و نام سازمان را به گروه خود اختصاص دادن، سازمان را تصفیه کرده و خود دارای هویت ایدئولوژیک - سیاسی و پایگاه توده‌ای خواهند شد.

ما در اینجا ذکر پاره‌ای نکات را برای رفقای پیشگام ضروری می‌دانیم:

۱- ما معتقدیم که هویت ایدئولوژیک سیاسی را از طریق دستیابی به مبانی و اصول تنها از طریق شرکت فعال در مبارزه ایدئولوژیک می‌توان بدست آورد نه با انحلال طلبی. از این رو با آموختن و آموزش دادن مارکسیسم - لنینیسم خلاق و تلفیق آن با پراتیک جامعه خواهیم کوشید تا سهم خود را در تقویت و استحکام بخشیدن به سازمان و تلاش در راه آرمان زحمتکشان به انجام رسانیم.

۲- با دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک فعال و سازنده بکوشیم تا ضمن تعمیق دادن به آگاهی خود و دیگران از فضاوت‌های تعصب‌آلود و شتابزده بیرهیزیم و با برخورد‌های اصولی راه را بر هرگونه نفاق اندازی و شایعه سازی ببندیم.

۳- مبارزه ایدئولوژیک از شرکت در مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما جدا نیست. مبارزه ایدئولوژیک نباید مانع از مشارکت ما در فعالیتهای دمکراتیک معلمان گردد. هم‌چنین وظیفه‌ای را که در قبال دانش‌آموزان و بسیج و تشکل معلمان بر عهده داریم نباید به دست فراموشی بسپاریم.

معلمان پیشگام - تهران
۵ تیر ۱۳۵۹

نبرد با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا همچنان ادامه دارد و هم‌اکنون خلقهای میهن ما روزهای بسیار حساسی را پشت سر می‌گذارند. گرانی، کمیابی و بیکاری روز به روز بردوش زحمتکشان سنگینی می‌کند و در همین حال عوامل جنگ‌افروز درون حاکمیت با جنگ افروزی و نفاق افکنی بر مشکلات و مصائب مردم می‌افزایند. از سوی دیگر طبقه سرمایه‌دار ایران به کمک ملاکین بزرگ و دوستان و جاسوسان امریکا هر روز توطئه تازه‌ای تدارک می‌بینند. آنها با استفاده از ناپیگیری و تزلزل حاکمیت در سرکوب ضدانقلاب و ناتوانی آن در برآورده ساختن نیازهای اساسی مردم سعی دارند تا به هر قیمت شده مسیر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها و در رأس آنها مبارزه طبقه کارگر ایران را به انحراف بکشانند آنها بیش از هر چیز از رشد آگاهی و مبارزه زحمتکشان به وحشت افتاده‌اند و به همین دلیل است که امروز سازمان‌های مترقی و انقلابی و در رأس همه آنها سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران را بیش از پیش هدف حمله قرار می‌دهند. آنها ضمن انگشت گذاشتن بر نقائص و ناتوانی‌های حاکمیت می‌کوشند تا آینده طبقه کارگر و سازمان‌های انقلابی را نیز تیره و تار جلوه داده و با ایجاد گیجی و توهم در میان مردم عناصر وابسته‌ای چون بختیار و جلادان شناخته شده‌ای مانند اوپسی و پالیزیبان را به صورت نجات دهندگان مردم درآورند.

بدیهی است در چنین شرایطی حل اختلافات نظری و بینش درون و میان سازمان‌های مترقی و انقلابی باید بیش از هر زمان دیگر به شیوه اصولی و بدون دامن زدن به توهمات توده‌ها و بدون ایجاد تشمت در میان روشنفکران انقلابی صورت پذیرد. اما متأسفانه در چنین شرایطی "اقلیت" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدون توجه به این امر مهم دست به انشعابی نادرست و غیر اصولی زده‌است. این انشعاب نمی‌تواند

حشنگندم...

به توطئه خینی و نیز عملیات خرابکارانه و جنگ افروزان برای تضعیف و به شکست کشاندن انقلاب ایران مشغولند و بدیهی است تا پیروزی نهایی انقلاب، مشکلات فراوانی در پیش خواهیم داشت. ناطقین ضمن محکوم کردن سیاست‌های جنگ طلبی در کردستان از مبارزات خلق کرد برای استقرار صلح عادلانه و شرافتمندانه در کردستان پشتیبانی کرده و خواستار آن شدند که دست اندرکاران هر چه زودتر به پیشنهادات صلح خلق کرد و نیروهای سیاسی آن جواب مثبت و صریح دهند. در فواصل برنامه‌ها اجرای موسیقی محلی توسط گروه "بخشیلر" به مراسم شور و نشاط خاصی می‌بخشید و در پایان نیز طبق سنت از کلیه حاضرین در جشن پذیرایی به عمل آمد و پس از صرف نهار و با وعده قتل مراسم کشتی انجام گردید و نیز نماینده‌های از طرف گروه هنری گیلان که به منطقه ترکمن صحرا رفته بود با نام "انواع مختلف قتل" که جنایات سرمایه‌داری را به نمایش می‌گذارد، اجرا گردید که مورد استقبال فراوان قرار گرفت.



نسبت به اعدام احتمالی...

بقیه از صفحه ۱۶

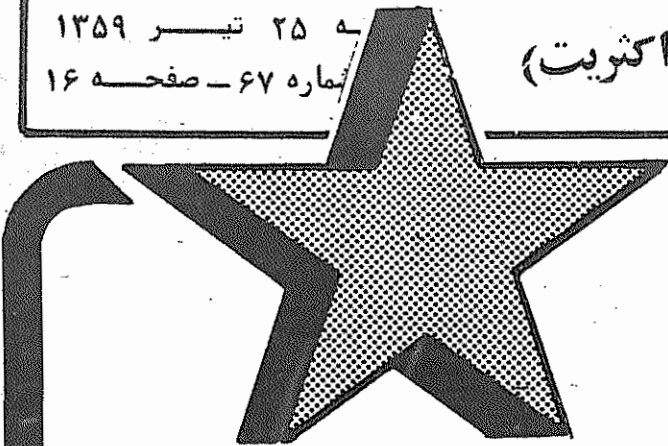
و بر پایه جعلیات و اتهامات بی‌اساس صورت گرفته، اینک یکی از فرزندان آگاه و انقلابی خلق ترکمن توسط دادگاه انقلاب گنبد در آستانه اعدام قرار گرفته است.

ما عواقب تشنج‌بار اعدام احتمالی "عبدالله قزل" را به ویژه در منطقه ترکمن صحرا تنها بر عهده دولت جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم و از پیش نسبت به عواقب آن به دادگاه انقلاب اسلامی گنبد و همه مقامات رسمی هشدار می‌دهیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
۲۴ تیرماه ۱۳۵۹

طبق اطلاعاتی که در دست است، در دادگاه انقلاب اسلامی گنبد یکی از فرزندان مبارز و انقلابی خلق ترکمن "عبدالله قزل" بطور پنهانی به محاکمه کشیده شده و به خاطر دفاع از منافع خلق ترکمن و مبارزه برای حفظ شوراهای دهقانی ترکمن صحرا در آستانه اعدام قرار گرفته است.

پس از فاجعه ترور فدائیان خلق توماج، مختوم، جرجانی و واحدی و محاکمات پنهانی فدائی خلق دکتر نریمی‌سا و اعدام جنایتکارانه وی که بدون رعایت ابتدائی‌ترین موازین حقوقی



دور راه خلق قدما
و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم

گرامی باد خاطره رفقای شهید تیرماه

تیرماه، ماه شهدای سازمان را با نام فدائی کبیر جمیداشرف آذین می‌بندیم. نام درخشان و روشنی که همیشه الهام بخش انقلابیون کمونیست در وفاداری به آرمان خلق و تسلیم ناپذیری در برابر دشمنان مردم است. حماسه شهادت فدائیان خلق در تاریخ مبارزات خلقهای جهان علیه امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده آن جاویدان خواهد ماند.

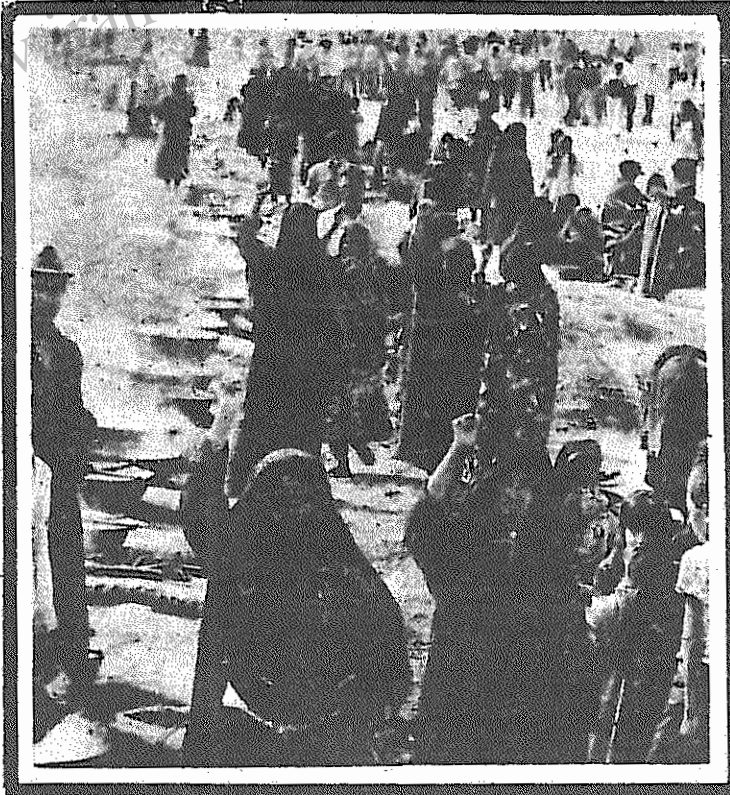
تزهت السادات روحی آهنگران

- ★ محمد حسین حق نواز
- ★ احمد خرم آبادی
- ★ محمود عظیمی بلوریان
- ★ یدالله زارع کاریزی
- ★ غلامعلی خراطپور
- ★ بهزاد امیری دوان
- ★ کاظم سلاحی
- ★ غلامرضا جلالی
- ★ نادره احمد هاشمی
- ★ علی اکبر وزیری
- ★ افسرالسادات حسینی
- ★ یوسف قانع خشک بیجاری
- ★ غلامرضا لایق مهربانی
- ★ فاطمه حسینی
- ★ حمید زین کرمانی
- ★ سیمین توکلی
- ★ کامران رضوانی
- ★ سیاوش حمیدی
- ★ محمد مهدی فوقانی
- ★ عسگر حسینی ابرده
- ★ حمید اشرف
- ★ دکتر اسمعیل نریمیس
- ★ نسترن آل آقا
- ★ گلرخ مهدوی
- ★ کاظم غبرائی
- ★ رضایشربی
- ★ طاهره خرم
- ★ ناد علی پورنعمه
- ★ طوبی مولودی
- ★ توفیق قریشی

- ★ کمال محمدی
- ★ هادی کاا خانجی
- ★ اسمعیل حسینی
- ★ عارتیک قازاریان
- ★ حمید آریان
- ★ غلامحسین خاکباز
- ★ فرشته گل عنبریان

جشن گندم بر زحمتکشان ترکمن صحرا مبارک باد

می‌کنند و گندمش را با هم
قسمت می‌کنند، جشن
گندم صورتی دیگر به خود
گرفته است. این جشن بر روی زمین و کشت شورایی
به نمایش می‌گذارند.
این ناطق و ناطقین دیگر
بر ضرورت کار و مبارزه جمعی



عکس گوشه‌ای از مراسم جشن گندم را در یلمه‌سالیان با شرکت مادر شهید توماج (سمت چپ، ردیف اول) نشان می‌دهد.

به مناسبت پایان یافتن فصل درو و محصول گندم، بر اساس یک سنت دیرین در میان زحمتکشان ترکمن صحرا مراسم جشنی با حضور عده کثیری از روستائیان و مهمانانشان در روز جمعه ۱۳ تیر ماه ۵۹ در یلمه سالیان زادگاه رفیق شهید توماج برگزار گردید. این جشن که از طرف اتحادیه روستایی توماج (بی بی شیروان) بر پا گردیده بود، زمینه‌ای فراهم نمود که یک بار دیگر سنت انقلابی زحمتکشان ارج گذاشته شود و وحدت و یکپارچگی مردم زحمتکش که پس از سالهای سال اکنون در غیاب آریابان به شادمانی می‌پرداختند به نمایش گذاشته شود. در ابتدای این مراسم یکی از روحانیون مبارز مسخند کتب:

نمودار اتحاد و همبستگی زحمتکشان ترکمن صحرا شده است. بطوری که بیشتر زحمتکشان روستایی از دهات دور و نزدیک در آن شرکت می‌کنند و اتحاد و همبستگی خود را تاکید کردند و ضمن هشدار و لزوم مقابله با ضد انقلاب در منطقه و در سراسر ایران اظهار داشتند که هنوز عوامل امپریالیسم در کلیه نقاط کشور از جمله در نواحی غرب بقیه در صفحه ۱۴

در گذشت روستائیان ترکمن صحرا پس از پایان فصل درو در سطح محدود و با عده کمی روستائیان جشن گندم را برگزار می‌کردند. اما امروز که زحمتکشان روستایی از بند فتودال‌ها و زمینداران بزرگ آزاد شده‌اند و زمین‌ها را با هم کشت می‌کنند و با هم درو

نامه سرگشاده پدر

فدائی شهید دکتر اسمعیل نریمیس

به آیت الله خمینی

نامزیر را که پدر فدایی شهید، دکتر نریمی‌سا برای اکثر روزنامه‌ها فرستاده است در هیچ‌کجا به چاپ نرسید. و این خود بیانگر آن است که یک سال و نیم پس از انقلاب بر شکوه بهمن ماه که نظام شاهنشاهی به دست پر توان مردم ایران سرنگون شد، سانسور اخبار و تحریف حقایق به صورت روش معمول روزنامه‌ها در آمده است. روزنامه‌هایی که ادعاهای "دادگاه‌های انقلاب اهواز" را علیه دکتر نریمی‌سا به چاپ می‌رسانند چرا حاضر نیستند پاسخ نیروهای انقلابی و یا نام پدر زحمتکش و ستمدیده شهید دکتر نریمی‌سا را به چاپ رسانند؟ زیرا همه آنها تحت کنترل نیروهائی قرار دارند که از آگاه شدن مردم از حقایق می‌ترسند. تنها انقلابیون واقعی هستند که حقیقت را به مردم خواهند گفت. نامه پدر شهید دکتر نریمی‌سا: بقیه در صفحه ۷

نسبت به اعدام احتمالی یکی از

فرزندان انقلابی خلق ترکمن

به مقامات مسؤل

هشدار می‌دهیم!

در صفحه ۱۴